



اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی، زبان قرآن

پایه هفتم

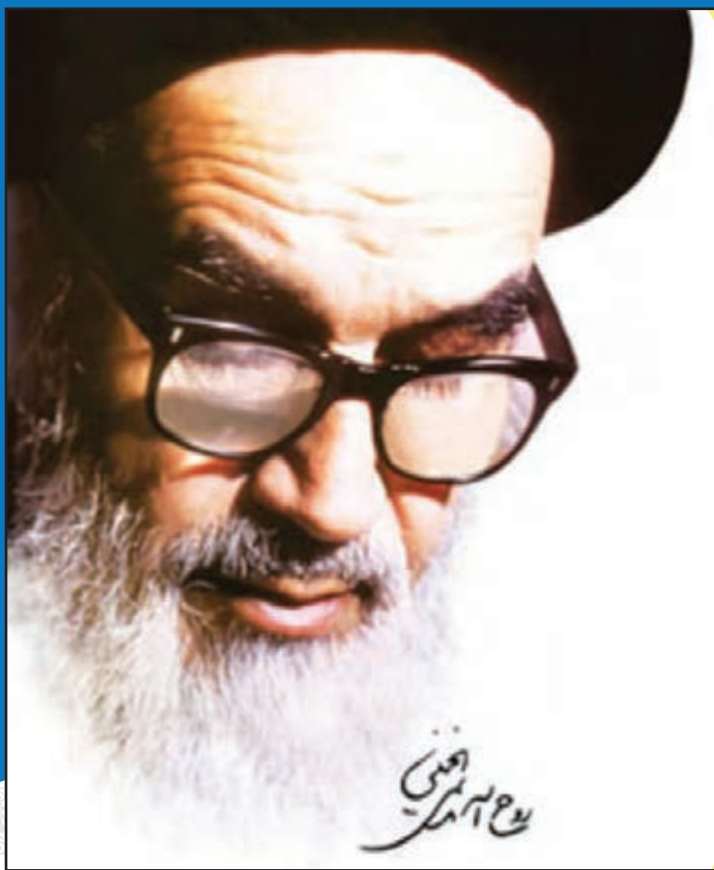
دوره اول متوسطه





وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب :	عربی، زبان قرآن - پایه هفتم دوره اول متوسطه - ۷۰۹
پدیدآورنده :	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف :	دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف :	سعید آقابور، عبدالعلی آل‌بویه‌لنگرودی، بانته‌آ امیریاننایی، پروین باسغا، احمد برادری، حسن حیدری، علی‌اکبر روشندل، محمد سیفی، هاجر صداقت مهر، سکیته فتاحی‌زاده و غلامحسین کسرای (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
مدیریت آماده‌سازی هنری :	عادل انکیوس، محی‌الدین بهرام محمّدیان، حبیب تقوایی، علی‌جان بزرگی، علی چراغی، اباذر عباچی، حمیدرضا کفّاش، حمید محمّدی، عبدالله یزدانی و فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای گروه تألیف) - محمّدکاظم بهنیا (ویراستار)
شناسه افزوده آماده‌سازی :	اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
نشانی سازمان :	احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمّد مهدی ذبیحی فرد (مدیر هنری) - جواد صفری (طراح گرافیک) - مریم کیوان (طراح جلد) - مهلا مرتضوی (صفحه‌آرا) - محمّد مهدی ذبیحی فرد، محمّد عباسی و حجت‌الله عباسی (عکاسان) - مهدی دشتی و صادق صندوقی (تصویرگر) - فاطمه باقری‌مهر، سیف‌الله بیگ محمدلیوند، فاطمه صفری ذوالفقاری، فاطمه پزشکی، حمید ثابت کلاچاهی و راحله زادفتح‌اله (امور آماده‌سازی)
ناشر :	تهران : خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن : ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار : ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ وبگاه : www.irttextbook.ir و www.chap.sch.ir
جایخانه :	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران : تهران - کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروبخش) تلفن : ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۳۷۵۱۵-۱۳۹
سال انتشار و نوبت چاپ :	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص» چاپ دهم ۱۴۰۱
	شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۱۷۸-۶ ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۱۷۸-۶ ISBN 978-964-05-2178-6
	کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت جایی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکریر به هر شکل و نوع بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



لغت عربی از ماست. لغت عربی لغت اسلام است.

صحیفه امام خمینی (قُدّس سرُّه). جلد ۱۱. صفحه ۲۲۷

٩	(قِيمَةُ الْعِلْمِ وَ نَوْرُ الْكَلَامِ وَ كَنْزُ الْكُنُوزِ)	الدَّرْسُ الْأَوَّلُ
٢٩	(جَوَاهِرُ الْكَلَامِ وَ كُنُوزُ الْحِكْمِ وَ كَنْزُ النَّصِيحَةِ وَ الْحِكْمُ النَّافِعَةُ وَ الْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ)	الدَّرْسُ الثَّانِي
٥٩	(حِوَارُ بَيْنَ وَلَدَيْنِ)	الدَّرْسُ الثَّالِثُ
٦٩	(فِي السُّوقِ)	الدَّرْسُ الرَّابِعُ
٧٧	(الْجَمَلَاتُ الدَّهَبِيَّةُ)	الدَّرْسُ الْخَامِسُ
٨٥	(فِي الْحُدُودِ)	الدَّرْسُ السَّادِسُ
٩٣	(الْأَسْرَةُ النَّاجِحَةُ)	الدَّرْسُ السَّابِعُ
١٠١	(زِينَةُ الْبَاطِنِ)	الدَّرْسُ الثَّامِنُ
١٠٩	(الْإِخْلَاصُ فِي الْعَمَلِ)	الدَّرْسُ التَّاسِعُ
١١٥	(الْأَيَّامُ وَ الْفُصُولُ وَ الْأَلْوَانُ)	الدَّرْسُ الْعَاشِرُ





برای تدریس این کتاب باید دوره آموزشی ضمن خدمت را گذرانده باشید؛ اگر به هر دلیل موفق به گذراندن این دوره نشده‌اید؛ لازم است کتاب راهنمای معلّم را تهیه کنید. فایل پی‌دی‌اف راهنمای معلّم در وبگاه گروه عربی قرار دارد.

خدای را سپاس که به ما توفیق داد تا با نگارش این کتاب به نوجوانان کشور عزیزمان، خدمتی فرهنگی کرده باشیم.

این کتاب نخستین کتاب عربی از مجموعه کتاب‌های دوره اوّل متوسطه می‌باشد که تدوین آن بر اساس تغییر نظام آموزشی صورت گرفته است.

رویکرد راهنمای برنامه درسی عربی «پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی» است. شیوه کتاب، متن محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز بتواند در پایان نیمسال اوّل تحصیلی، برخی عبارات و در پایان نیمسال دوم، متون ساده عربی را درست بخواند و معنای آنها را بفهمد. در این کتاب حدود ۴۰۰ کلمه به کار رفته است که در پایه‌های بعدی تکرار می‌شوند. **روخوانی در کتاب‌های جدید، اهمّیت ویژه‌ای دارد. دانش‌آموز باید بتواند درست بخواند و بفهمد تا درست ترجمه کند.**

این کتاب در ده درس تنظیم شده است.

درس اوّل تا پایان درس سوم برای تدریس در نوبت اوّل است.

🔹 **درس اوّل**، سه بخش دارد. در این درس، جملات حکیمانه ساده و در عین حال، پر ارزشی آمده است. همچنین عبارتهایی درباره «اسم اشاره به مفرد، مثنی و جمع» آمده که در آن مثنی و انواع جمع (سالم و مکسر) نیز تدریس شده است. **این درس برای تدریس در سه جلسه است.**

🔹 **درس دوم**، پنج بخش دارد. در زمینه جملات حکیمانه در این درس نیز، مانند درس اوّل عمل شده است. حروف و اسماء استفهام «هَلْ، أَ، مَنْ و ما» آموزش داده می‌شود. در کنار «مَنْ»، «لِمَنْ» و در کنار «ما»، «ماذا» نیز قرار می‌گیرد.

آغاز هر بخش، مزین به سخنان حکیمانه است. در بخش‌های چهارم و پنجم، دو کلمه پرسشی «أین»

و «گم» تدریس شده است. در کنار «گم» عددهای اصلی یک تا دوازده آموزش داده می‌شود. اما تطابق عدد و معدود آموزش داده نمی‌شود و عددها در حالت عمومی (مذکر) تدریس می‌شود. **این درس برای تدریس در پنج جلسه است.**

🔸 **درس سوم،** از آنجا که دانش‌آموز در درس‌های اول و دوم با کلمات بسیاری آشنا شده است، اکنون وقت آن است که متن مکالمه قدری طولانی‌تر شود. در این درس، دوره‌ای بر ضمائر خوانده شده، صورت می‌گیرد. **این درس برای تدریس در دو جلسه است.** بخش «نَظَرَةٌ إِلَى الدَّرْسِ الثَّالِثِ» نیز در یک جلسه تدریس می‌شود. مطالب این بخش، جدید نیست. دانش‌آموز در این جا ضمایی را که به صورت پراکنده دیده است، یکجا می‌بیند.

🔸 **درس چهارم،** درس با مکالمه‌ای در «سَوْقُ النَجْفِ الْكَبِيرِ» آغاز می‌شود. فعل ماضی اول و دوم شخص مفرد در متن و تمرینات درس آموزش داده می‌شود. هدف این نیست که صرفاً دانش‌آموز بتواند فعل ماضی بسازد؛ بلکه هدف این است که بتواند درست بخواند و درست ترجمه کند.

🔸 **درس پنجم،** متن درس، گفت‌وگویی کوتاه میان مادر و پسر همراه جملات حکیمانه است. ساختار درس نیز فعل ماضی سوم شخص مفرد است. همانند درس چهارم در این درس و دروس بعد، ساخت فعل ماضی، صرف کردن، تبدیل فعلی از مفرد به جمع یا حالات دیگر تبدیل کردن از اهداف آموزشی نیست.

🔸 **درس ششم،** متن درس گفت‌وگویی تلفنی میان مادر بزرگ و نوه‌اش است. فعل ماضی اول شخص جمع، به عنوان ساختاری جدید در متن درس و در تمرینات گنجانده شده است. همچنین ماضی منفی نیز در این درس آموزش داده می‌شود.

🔸 **درس هفتم،** متن درس درباره یک خانواده روستایی موفق است. فعل ماضی دوم شخص جمع، ساختار درس هفتم است.

🔸 **درس هشتم،** اکنون دانش‌آموز به اندازه کافی با کلمه و ساختار زبان عربی آشنا شده است، وقت آن است که با خواندن یک داستان، در این درس و داستان دیگری در درس بعدی آموخته‌هایش را بیازماید. پیام اخلاقی داستان، درس زندگی برای دانش‌آموز است. در این درس، فعل ماضی سوم شخص جمع، آموزش داده می‌شود و طی پنج درس (از درس چهارم تا پایان درس هشتم) کل ساختار ضمیر و فعل ماضی، آموزش داده شده است. همان‌گونه که یادآوری شد، هدف این کتاب این نیست که دانش‌آموز، فعل ماضی بسازد؛ بلکه هدف این است که فعل ماضی یا هر کلمه دیگری را درون جمله و با کمک قرائن ترجمه کند؛ مثلاً، دانستن ترجمه «شَرَبُوا» بیرون از جمله سخت است؛ اما ترجمه آن در جمله «هُؤلَاءِ الْأَوْلَادُ شَرَبُوا مَاءً بارداً.» به کمک اجزای دیگر جمله آسان و لذت‌بخش است و هدف در آموزش و ارزشیابی این است که دانش‌آموز از کتاب لذت ببرد.

🔸 **درس نهم،** داستان «اخلاص در کار» زینت‌بخش این درس شده است. اکنون دانش‌آموز می‌تواند متون کوتاه و ساده بخواند. در این درس، هیچ ساختار جدیدی آموزش داده نمی‌شود؛ تنها چند کلمه جدید می‌آموزد.

 **درس دهم،** در این درس، مانند درس نهم، هیچ ساختار جدیدی آموزش داده نمی‌شود. درس دهم، آموزش نام روزهای هفته، فصل‌ها و رنگ‌ها است.

در درس نهم و دهم به وسیله چند تمرین، آموخته‌های قبلی دوره می‌شود. هر یک از درس‌های چهارم تا هشتم، در دو جلسه تدریس می‌شود. درس نهم و دهم هر کدام در یک جلسه تدریس می‌شوند.

مهم‌ترین توصیه‌ها درباره شیوه تدریس و ارزشیابی این کتاب:

 **۱** آنچه باید سرلوحه کار معلم قرار گیرد این است که دانش‌آموز در آغاز راه یادگیری زبان عربی می‌باشد. لازم است به مطالبی که در کتاب آمده است بسنده کند و مطلب اضافه‌ای به او آموزش ندهد؛ زیرا آنچه را او باید بیاموزد به تدریج و طی سال‌های آینده فرا خواهد گرفت.

 **۲** کار عملی در این کتاب تهیه انواع کاردستی نیست؛ بلکه کارهایی مانند مکالمه، نمایش، سرود، ترجمه تصویری و داستان‌نویسی است، یعنی دانش‌آموز باید آموخته‌هایش را در قالب سخن گفتن یا نوشتن ارائه کند.

 **۳** از طرح سؤالاتی در زمینه «ترجمه فارسی به عربی» خودداری شود؛ زیرا از اهداف کتاب نیست. دانش‌آموز باید بتواند جمله عربی را بخواند و ترجمه کند و البته قدرت تشخیص نیز داشته باشد. در کتاب از او «ساختن جمله عربی» خواسته نمی‌شود (در بخش مکالمه، یعنی پاسخگویی به کلمات پرسشی این استثنا وجود دارد؛ زیرا در مکالمه باید بتواند پاسخ کوتاه دهد که انتظار در حد یک یا نهایتاً دو کلمه است و در این بخش، نظر به لزوم سرعت عمل در پاسخگویی، رعایت دقیق ظرافت‌های دستوری مد نظر نیست).

 **۴** رونویسی بخش‌های کتاب در هیچ‌یک از سه کتاب عربی دوره اول متوسطه لازم نیست.

 **۵** در بسیاری از جاهای کتاب، جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین نهاده شده، تا نیازی به دفتر تمرین نباشد. هر چند استفاده از کتاب کار در آموزش عربی مناسب است؛ اما تجربه نشان داده است که اغلب کتاب‌های کار، نه تنها موجب تسهیل آموزش نمی‌شوند؛ بلکه مسیر آموزش را منحرف می‌کنند. لذا دفتر تألیف استفاده از کتاب کار را توصیه نمی‌کند.

در پایان، برای همه همکاران آرزوی موفقیت داریم. اگر تمایل دارید از نظریات شما آگاه شویم، می‌توانید از طریق وبگاه گروه عربی پیغام بگذارید.

اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ؛

أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ فِي الصَّفِّ السَّابِعِ؛
كَيْفَ حَالُكُمْ؟





الدَّرْسُ الْأَوَّلُ (اسم اشاره + مفرد، مثني و جمع)



هَذَا، جَبَلٌ جَمِيلٌ. هَذِهِ، صَوْرَةٌ جَمِيلَةٌ.



الدَّرْسُ الْأَوَّلُ (بخش اول)

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۳ کلمه)

بُنْتُ	دختر «جمع: بَنَات»	قِيَمَة	ارزش، قیمت
تِلْكَ	آن «مؤنث»	كَ	مانندِ
جَبَل	کوه	كَالشَّجَرِ	مانند درخت
جَمِيل	زیبا	كَبِير	بزرگ «جمع: كِبَار»
ذَلِكَ	آن «مذکر»	لَوْحَة	تابلو
رَجُل	مرد «جمع: رِجَال»	مُجَالَسَة مُجَالَسَة الْعُلَمَاءِ	هم‌نشینی هم‌نشینی با دانشمندان
شَجَر	درخت «جمع: أَشْجَار»	الْمَرْأَة (امْرَأَة)	زن
صَف	کلاس «جمع: صُفوف»	نَاجِح	موفق، پیروز
صورة	عکس	نِسيَان	فراموشی
طَالِب	دانش‌آموز، دانشجو «جمع: طُلَّاب»	وَلَد	پسر، فرزند «جمع: أَوْلَاد»
فَرِيضَة	واجبِ دینی	هَذَا	این «مذکر»
فِي	در، داخلِ	هَذِهِ	این «مؤنث»

قِيَمَةُ الْعِلْمِ

۱. أَلْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ.

دانشمند بدون عمل مانند درخت بدون میوه است.

۲. حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ.

نیکویی پرسش نیمی از علم است.

۳. مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ.

همنشینی با دانشمندان عبادت است.

۴. طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ.

طلب کردن دانش واجب دینی است.

۵. آفَةُ الْعِلْمِ النِّسْيَانُ!

آسیب دانش فراموشی است.

هَذَا هَذِهِ ذَلِكَ تِلْكَ



دکتر آثار اندامی

هَذِهِ الْمَرْأَةُ، طَبِيبَةٌ.

هَذِهِ الطَّبِيبَةُ، نَاجِحَةٌ.



پروفسور موسیوند

هَذَا الرَّجُلُ، طَبِيبٌ.

هَذَا الطَّبِيبُ، نَاجِحٌ.

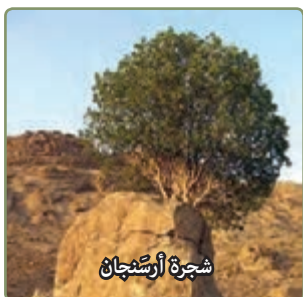
۱. هر پنج حدیث از رسول الله ﷺ است.



تِلْكَ الْمَرْأَةُ، شَاعِرَةٌ. *آن زن شاعر است*
تِلْكَ الشَّاعِرَةُ، بَرَوِينُ. *آن شاعر پروین است*



ذَلِكَ الرَّجُلُ، شَاعِرٌ. *آن مرد شاعر است*
ذَلِكَ الشَّاعِرُ، سَعْدِيٌّ. *آن شاعر سعدی است*



شجرة أرستان *این درخت عجمی است*
هَذِهِ الشَّجَرَةُ، عَجِيبَةٌ. *این درخت عجیب است*



هَذَا الصَّفُّ، كَبِيرٌ. *این کلاس بزرگ است*



تِلْكَ اللُّوْحَةُ، جَمِيلَةٌ. *آن تابلو زیبا است*



ذَلِكَ الْجَبَلُ، مُرْتَفِعٌ. *آن کوه بلند است*

۱. هر اسمی در عربی، یا مذکر است، یا مؤنث.

۲. علامت اصلی اسم مؤنث «ة، ة» است؛ مانند: طالِبَة و شاعِرَة.

اما مذکر نشانه ندارد؛ مانند: طالب.



هَذَا طَالِبٌ.



هَذِهِ طَالِبَةٌ.

۳. «هَذَا» و «ذَلِكَ» اسم اشاره برای مذکر و «هَذِهِ» و «تِلْكَ» اسم اشاره برای مؤنث اند.

۴. اسم‌هایی مثل جَزِيرَة و لَوْحَة چون علامت «ة» دارند؛ مؤنث به شمار می‌آیند.

۵. اسم‌هایی مانند جَبَل و صَفّ نیز مذکر به شمار می‌آیند.

برای مطالعه آزاد در منزل^۱ (حروف شمسی و قمری)

۱. اسم‌های حروف الفبا در عربی:

الف (همزه) - باء - تاء - ثاء - جیم - حاء - خاء - دال - ذال - راء - زای - سین - شین -

صاد - ضاد - طاء - ظاء - عین - غین - فاء - قاف - کاف - لام - میم - نون - هاء - واو - یاء

۲. حروف «گ، چ، پ، ژ» در عربی نوشتاری وجود ندارد؛ اما در عربی گفتاری گاهی

تلفظ می‌شوند.

۱. از این بخش در هیچ آزمون و مسابقه‌ای سؤال طرح نمی‌شود.

۳. به تلفُّظِ «الْقَمَر» دَقَّت کنید. لامِ ال در «الْقَمَر» خوانده می‌شود؛ اکنون به «الشَّمْس» دَقَّت کنید؛ تلفُّظِ لامِ ال در آن سخت است؛ بنابراین خوانده نمی‌شود. چهارده حرف (خوف حق کجی ب‌أغ عمه) را حروف قمری می‌نامند. در تلفُّظِ کلماتِ دارای ال که با حرف قمری شروع می‌شوند، سختیِ تلفُّظ وجود ندارد و لام به راحتی تلفُّظ می‌شود؛ مانند: الْوَلَدُ، الْعِلْمُ و الْمَدْرَسَةُ. چهارده حرفِ مانده (ش ن ل ز ر د س ت ط ذ ض ظ ث ص) را نیز حروف شمسی می‌نامند. در تلفُّظِ کلماتِ دارای ال که با حرف شمسی شروع می‌شوند، لام خوانده نمی‌شود و حرف شمسی، علامتِ تشدید می‌گیرد؛ مثال: الشَّجَرُ، النَّاجِحُ و الرَّجُلُ که أَشْجَرُ، أَنَّاجِحُ و أَرْجُلُ خوانده می‌شوند.

الْتَّمَارِین

۱ التَّمْرِینُ الْأَوَّلُ:

این جمله‌ها را به فارسی ترجمه کنید؛ سپس زیر اسم‌های اشاره خط بکشید.

۱. ذَلِكَ الطَّالِبُ النَّاجِحُ، فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ.

آن دانش‌آموز موفق در کلاس اول است.

۲. هَذِهِ الطَّالِبَةُ النَّاجِحَةُ، فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ.

این دانش‌آموز موفق در کلاس اول است.

۳. هَذَا الْوَلَدُ، فِي هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ.

این پسر در این مدرسه است.

٤. هَذِهِ الْبِنْتُ، فِي تِلْكَ الْمَدْرَسَةِ.

این دختر در آن مدرسه است.

٥. ثَمَرُ هَذِهِ الشَّجَرَةِ الْكَبِيرَةِ، لَذِيذٌ.

میوه این درخت بزرگ، خوشمزه است.

٢ التَّعْمِرينُ الثَّانِي:

از کلمات داده شده، نام هر تصویر را بنویسید.

جَبَلٌ - شَجَرَةٌ - وَلَدٌ - بِنْتُ - صَفٌّ - قَرِيبَةٌ



سرو ابرکوه

تِلْكَ شَجَرَةٌ مُرْتَفِعَةٌ.



هَذِهِ بِنْتُ نَاجِحَةٍ.



هَذَا صَفٌّ جَمِيلٌ.



ذَلِكَ جَبَلٌ كَبِيرٌ.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ (بخش دوم)

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۲ کلمه)

أَمَان	امنیّت	لِ لِهَذَا الصَّفِّ	برای این کلاس دارد. (برای این کلاس هست.)
خَشَب	چوب «جمع: أَخْشَاب»	الْمَرْءُ (امراً)	انسان، مرد
خَيْرٌ خَيْرٌ مِنْ	بهتر، بهترین، خوبی بهتر است از	نَافِذَةٌ	پنجره «جمع: نَوَافِذُ»
دَهْرٌ	روزگار	وَرْدَةٌ	گُل
دَهَبٌ	طلا	هـ، هُ دَهَبُهُ	ش، ـ او، ـ آن طلایش
عَلَى	بر، روی	هَاتَانِ	این دو، این ها (اشاره به دو اسم مؤنث)
عَلَيْكَ	بر تو، به زیانِ تو	هَذَانِ	این دو، این ها (اشاره به دو اسم مذکر)
فَخْرٌ	افتخار	هُمَا	ایشان، آن دو، آنان «مثنای مذکر و مثنای مؤنث»
كُرْسِيٌّ	صندلی «جمع: كُرَاسِيٌّ»	هُوَ	او «مذکر»
كَلَامٌ	سخن	هِيَ	او «مؤنث»
لَكَ لَكَ	ت، ـ تو برایت، به سودِ تو	يَوْمٌ	روز «جمع: أَيَّامٌ»

نورُ الْكَلَامِ

۱. نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ، الصَّحَّةُ وَالْأَمَانُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

دو نعمت ناشناخته اند، سلامتی و امنیت

۲. رِضَا اللَّهِ فِي رِضَا الْوَالِدَيْنِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

رضایت خدا در رضایت پدر و مادر است

۳. أَدَبُ الْمَرْءِ، خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

آداب شخص بهتر از طلایش است

۴. أَلَدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ. الْأَمَامُ عَلِيُّ ع

روزگار دو روز است؛ روزی بسود تو و روزی برضایت تو است

هَاتَانِ

هَذَانِ



هَاتَانِ بِنْتَانِ.

این دو، دختر هستند
هَاتَانِ الْبَنَاتِ، نَظِيفَتَانِ. این دو دختر، پاکیزه هستند
هُمَا سَعِيدَةٌ وَ حَمِيدَةٌ. آن دو سعیده و حمیده هستند

هَذَانِ وَلَدَانِ.

هَذَانِ الْوَلَدَانِ، نَظِيفَانِ.
هُمَا سَعِيدٌ وَ حَمِيدٌ.

این دو، پسر هستند
این دو پسر، پاکیزه هستند
آن دو سعید و حمید هستند



این دو گل هستند
هاتانِ وَرْدَتانِ. این دو گل زیبا هستند
هاتانِ الْوَرْدَتانِ، جَمِیلَتانِ.

این دو صندلی هستند
هَذانِ الْکُرْسِیَّانِ، خَشِیْبَیانِ.
این دو صندلی چوبی هستند

۱. اسم مثنی دو علامت دارد: «انِ» و «یَنِ»؛ مانند:

طالِبَانِ، طالِبَیْنِ، طالِبَتَانِ و طالِبَتَیْنِ

۲. «هَذانِ» اسم اشاره برای مثنای مذکر و «هاتانِ» اسم اشاره برای مثنای مؤنث هستند.

یک نکته

نام این علامت‌ها را به خاطر بسپارید.

فتحه - کسره - ضمه - سکون - تنوین

١ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

با کلمات داده شده، جاهای خالی را پُر کنید؛ سپس جمله‌ها را ترجمه کنید.

(وَلَدٌ - وَلَدَانِ - بِنْتُ - بَنَاتَانِ)



هَاتَانِ، بَنَاتَانِ مُحَجَّبَتَانِ.

هُمَا فَرِيدَةٌ وَ حَمِيدَةٌ.

این دو، ۲ دختر با حجاب هستند
آن دو فریده و حمیده هستند



هَذِهِ، بِنْتُ مُحَجَّبَةٌ.

هِيَ سَعِيدَةٌ.

این، دختری با حجاب است
او ساعیده است



هَذَا، وَلَدٌ مُؤَدَّبٌ.

هُوَ سَعِيدٌ.

این، پسری با ادب است
او سعاد است



هَذَانِ، وَلَدَانِ مُؤَدَّبَانِ.

هُمَا فَرِيدٌ وَ حَمِيدٌ.

این دو، ۲ پسر با ادب هستند
آن دو فرید و حمید هستند

۲ التَّمَرِينُ الثَّانِي:

در جای خالی گزینۀ مناسب به کار ببرید.

۱. هاتانِ، مَسْرُورَتانِ. ☐ الرَّجُلُ ☒ الْمَرْأَتَانِ
۲. الْجَزِيرَةُ، مَجْهُولَةٌ. ☐ ذَلِكَ ☒ تِلْكَ
۳. هُذَانِ، مُرْتَفِعَانِ. ☒ الْجَبَلَانِ ☐ الْوَرْدَةُ
۴. النَّافِذَةُ، خَشْبِيَّةٌ. ☐ هَذَا ☒ هَذِهِ
۵. ذَلِكَ، نَظِيفٌ. ☐ الطَّالِبَةُ ☒ الطَّالِبُ
۶. هَذِهِ، كَبِيرَةٌ. ☒ الْمَدْرَسَةُ ☐ الْمَسْجِدَانِ

۳ التَّمَرِينُ الثَّالِثُ:

ترجمه کنید.

۱. قِيَمَةُ الْإِنْسَانِ، بِالْعِلْمِ وَ الْإِيمَانِ.

ارزش انسان به دانش و ایمان است

۲. لِهَذَا الصَّفِّ، نَافِذَتَانِ جَمِيلَتَانِ.

این کلاس، دو پنجره زیبا دارد.

۳. أَلْوَلَدُ الصَّالِحِ، فَخْرٌ لِلْوَالِدَيْنِ.

فرزند صالح، (افتخاری بزرگ برای پدر و مادر است).

۴. كَلَامُ الْوَالِدَيْنِ مِنَ الذَّهَبِ.

سخن پدر و مادر از طلاست.

۵. هَاتَانِ الشَّجَرَتَانِ، بِلَا ثَمَرٍ.

این دو درخت بدون میوه هستند.

۶. هُذَانِ الصَّقَّانِ، كَبِيرَانِ.

این دو کلاس بزرگ هستند.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ (بخش سوم)

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۶ کلمه)

أَحْيَاء	زندگان «مفرد: حَيٌّ»	فَائِز	برنده
أَنْتُمْ	شما «جمع مذکر»	فَلَّاح	کشاورز
أَوْسَطُ أَوْسَطُهَا	میان‌ترین میان‌ترین آن	كَنْز	گنج «جمع: كُنُوز»
أَوْلِيَاكَ	آنان، آن	لَاعِب	بازیکن
جَالِس	نشسته	مِفْتَاح	کلید «جمع: مَفَاتِيح»
حَجَر	سنگ «جمع: أَحْجَار»	مَكْتَبَة	کتابخانه
حَدِيقَة	باغ «جمع: حَدَائِق»	مَوْت	مرگ
سَبْعِينَ	هفتاد	نَحْنُ	ما
سَنَة	سال «جمع: سَنَوَات»	وَاقِف	ایستاده
صَدَاقَة	دوستی	هَا أَوْسَطُهَا	ش، - او، - آن میان‌ترین آن
صِغَر	خُردسالی، کوچکی	هُؤُلَاءِ	اینان، این‌ها، این
عَدَاوَة	دشمنی کردن	هُمْ	ایشان، آنان «جمع مذکر»
عِنْدَ	نزد، کنار	هُنَّ	ایشان، آنان «جمع مؤنث»

گَنْزُ الْكُنُوزِ

۱. تَفَكَّرْ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَبْعِينَ سَنَةً. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

لحظه ای فکر کردن از ۷۰ سال عبادت بهتر است

۲. عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

دشمنی عاقل از دوستی نادان بهتر است

۳. اَلْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّفْثِ فِي الْحَجَرِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

دانش در کودکی مانند حُکاکی در سنگ است

۴. خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

بهترین کارها میانه ترینش است

۵. اَلْجَهْلُ مَوْتُ الْأَحْيَاءِ. حِكْمَةٌ

نادانی مرگ زندگان است

أُولَئِكَ

هُؤُلَاءِ



أُولَئِكَ، مُجَاهِدَاتٌ. آنان، رزمندگان

أُولَئِكَ الْمُجَاهِدَاتُ، صَابِرَاتٌ. آن رزمندگان صبور

هُنَّ نَاجِحَاتٌ. آنها موفقند

أُولَئِكَ، مُجَاهِدُونَ. آنان، رزمندگان

أُولَئِكَ الْمُجَاهِدُونَ، صَابِرُونَ. آن رزمندگان صبور

هُم نَاجِحُونَ. آنها موفقند



اینها ایرانی هستند
این تصویر بازیکنان ایرانی
هؤلاء، ایرانیات.
هذه، صورة اللاعبات الإيرانيات.
هؤلاء اللاعبات، فائزات.

این بازیکنان برنده هستند



اینها ایرانی هستند
این تصویر بازیکنان
هؤلاء، ایرانیون.
هذه، صورة اللاعبين الإيرانيين.
هؤلاء اللاعبين، فائزون.

این بازیکنان، برنده هستند

۱. «هؤلاء» و «أولئك» در اشاره به جمع مذکر و مؤنث مشترک هستند.
۲. اسمِ مذکر با «وَنَ» یا «يَنَ» جمع بسته و «جمع مذکر سالم» نامیده می‌شود؛
مثال: مُعَلِّمُونَ، مُعَلِّمِينَ
۳. اسمِ مؤنث با «ات» جمع بسته و «جمع مؤنث سالم» نامیده می‌شود؛ مثال:
مُعَلِّمَات
۴. جمع برخی اسم‌ها، «مُكْسَر» یعنی شکسته است.
در این جمع، شکلِ مفردِ کلمه تغییر می‌کند؛ مثال:
حَدِيقَة: حَدَائِق مِفْتَاح: مَفَاتِيح طِفْل: أَطْفَال عِبْرَة: عِبَر

الْتَّمَارِين

١ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

ترجمه کنید، سپس «جمع‌های سالم و مکسر» و نیز «مثنی» را معلوم کنید.

١. هَؤُلَاءِ الطُّلَّابُ، فَائِزُونَ فِي مُسَابَقَتَيْنِ: مُسَابَقَةِ الْحِفْظِ وَ مُسَابَقَةِ الْقِرَاءَةِ.

این دانش‌آموزان، در دو مسابقه برنده هستند: مسابقه حفظ و مسابقه قرائت

٢. هَؤُلَاءِ الطَّالِبَاتُ، نَاجِحَاتٌ فِي مُسَابَقَةِ حِفْظِ الْقُرْآنِ.

این دانش‌آموزان، در مسابقه حفظ قرآن موفق هستند

٣. فِي كُتُبِ الْقِصَصِ، عَبَّرَ لِلْأَطْفَالِ وَ الْكِبَارِ.

در کتاب‌های قصه، عبرت‌آموزی برای کودکان و بزرگان است

٤. أُولَئِكَ الرِّجَالُ، جَالِسُونَ عَلَى الْكَرَاسِيِّ.

آن مردان، روی صندلی‌ها نشسته‌اند

٢ التَّمَرِينُ الثَّانِي:

از کلمات زیر، در جای خالی کلمه مناسبی بنویسید؛ سپس جمله‌ها را ترجمه کنید.

(دو کلمه اضافه است). لَاعِبَةٌ - مَكْتَبَةٌ - نَافِذَةٌ - كُرْسِيٌّ - كَنْزٌ - وَرَدَةٌ



هَذَا كَنْزٌ ذَهَبِيٌّ.



هَذِهِ مَلَبَّةٌ كَبِيرَةٌ.



هَذِهِ وَرْدَةٌ جَمِيلَةٌ.



هَذِهِ لَاعِبَةٌ نَاجِحَةٌ.

٣ التَّمَرِينُ الثَّالِثُ:

در جای خالی گزینه مناسب بنویسید.

١. هَاتَانِ الْبِنْتَانِ فِي الْمُسَابَقَةِ.
 ٢. تِلْكَ الْمَرْأَةُ عَلَى الْكُرْسِيِّ.
 ٣. زَهْرَاءُ وَ زَيْنَبُ وَ فَاطِمَةُ،
 ٤. عَبَّاسُ وَ هَاشِمٌ وَ مَيْثَمٌ،
 ٥. أَوْلِيكَ الْأَوْلَادُ، مُمْتَازُونَ.
 ٦. نَحْنُ الْمَدْرَسَةِ.
 ٧. أَنْتُمْ نَاجِحُونَ.
- | | |
|---|---|
| ☒ فَايْزَتَانِ
☐ جَالِسَةٌ
☒ وَاقِفَةٌ
☐ مَسْرُورَانِ
☒ لَاعِبُونَ
☐ طَالِبَةٌ
☒ فَلَاحُونَ | ☒ فَايْزَتَانِ
☐ جَالِسَةٌ
☒ وَاقِفَةٌ
☐ مَسْرُورَانِ
☒ لَاعِبُونَ
☐ طَالِبَةٌ
☒ فَلَاحَاتٌ |
|---|---|

نَظَرَةُ إِلَى الدَّرْسِ الْأَوَّلِ

نگاهی به درس اول - اسم مفرد، مثنی و جمع

مثال	نشانه	عدد و جنس
حَافِظ	ندارد	
حَافِظَة	ة	
حَافِظَانِ و حَافِظَيْنِ حَافِظَتَانِ و حَافِظَتَيْنِ	انِ و -ینِ	 
حَافِظُونَ، حَافِظِينَ	ونَ و ینَ	
حَافِظَات	ات	
حُفَظَاف	ندارد	

اسم اشاره

آن	ذَلِكَ		این	هَذَا	
	تِلْكَ			هَذِهِ	
آنها	أُولَئِكَ		اینها	هَٰؤُلَاءِ	
				هَاتَانِ	
				هَٰؤُلَاءِ	





الدَّرْسُ الثَّانِي (كلمه‌های پرسشی: هَلْ؟ أَمْ؟ مَنْ؟ مَا؟ أَيْنَ؟ كَمْ؟)

- هَلْ هَذِهِ شَجَرَةُ الْعِنَبِ؟ - لا؛ هَذِهِ شَجَرَةُ الرَّمَّانِ.



الدَّرْسُ الثَّانِي (بخش اول)

اَلْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۲ کلمه)

إِلَّا	به جز	عَنْب	انگور
أَنْتُمَا	شما (شما دوتن) «مثنیٰ مذکر» و «مثنیٰ مؤنث»	عُرْفَة	اتاق
بَائِع	فروشنده	فُنْدُق	هتل
بُسْتَان	باغ	قَرِيب	نزدیک
بَعِيد	دور	قَرِيَّة	روستا
جَزَاء	پاداش	قَلِيل	کم
جُنْدِي	سرباز	كَثِير	بسیار
حَقِيَّة	کیف، چمدان «جمع: حَقَائِب»	لِسَان	زبان
رُبَّ	چه بسا	مَدِينَة	شهر
رُمَان	انار	هَلْ	آیا
عَمُود	ستون	هُنَا	اینجا

جَوَاهِرُ الْكَلَامِ

۱. هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ؟. الرَّحْمَنُ ۶۰

آیا پاداش نیکی جز نیکی است؟

۲. الْمُؤْمِنُ قَلِيلٌ الْكَلَامِ كَثِيرُ الْعَمَلِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

مؤمن کم حرف و پرکار است.

۳. سُكُوتُ اللِّسَانِ سَلَامَةٌ الْإِنْسَانِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

سکوت زبان سلامت انسان است.

۴. رَبُّ كَلَامٍ جَوَابُهُ السُّكُوتُ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

چیزا سخنی که پاسخ سکوت است.

۵. أَلَوْفْتُ مِنَ الدَّهَبِ. حِكْمَةٌ

وقت از طلاست.

نَعَمْ - لا (بله، نه)

هَلْ؟ أَمْ؟ (آیا)



هَلْ هَذِهِ، شَجَرَةُ الرُّمَّانِ؟
نَعَمْ؛ هَذِهِ، شَجَرَةُ الرُّمَّانِ. بله، این درخت انار است.



أَهْذِهِ، حَقِيبَةُ الْمَدْرَسَةِ؟
لا؛ هَذِهِ، حَقِيبَةُ السَّفَرِ. آه، این کیف مدرسه است؟
نه، این چمدان سفر است.



هَلْ هُنَا مَدِينَةٌ؟
لا؛ هُنَا قَرْيَةٌ.



أَ هَذَا جُنْدِيٌّ؟
نَعَمْ؛ هَذَا جُنْدِيٌّ.



هَلِ الْفُنْدُقُ بَعِيدٌ؟
لا؛ الْفُنْدُقُ قَرِيبٌ.

آیا این شهر است؟ آیا این روستا است؟
آیا این سرباز است؟ آری، این سرباز است.
آیا هتل دور است؟ نه، هتل نزدیک است.

«هَلْ» و «أَ» دو کلمهٔ پرسشی به معنای «آیا» هستند که در جوابِ آن‌ها «نَعَمْ» یا «لا» می‌آید.

تَرْجُمَان

الْتَّمَارِين

١ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

با توجّه به تصویر به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید (در یک کلمه).



٢. هَلْ هُنَا مَدِينَةُ شِيرَاز؟

لا



١. هَلْ هَذِهِ شَجَرَةُ الْعِنَبِ؟

نَعَمْ



٤. هَلْ هُوَ بَائِعُ الْحَقَائِبِ؟

لا



٣. هَلْ هُنَا بُسْتَانٌ؟

نعم

٢ الثَّمَرَيْنِ الثَّانِي:

ترجمه کنید.

١. الْمَكْتَبَةُ بَعِيدَةٌ وَ الْمَدْرَسَةُ قَرِيبَةٌ.

لنا بچانہ دور و مدرسہ نزدیک است

٢. هَلْ هُنَا أَشْجَارُ الْعِنَبِ وَ الرُّمَّانِ؟ لا.

آیا اینجا درختان انگور و انار دارد؟ نه

٣. هَلْ فِي هَذِهِ الْمَدِينَةِ فُنُودٌ؟ نَعَمْ.

آیا در این شهر صحنه است؟ بله

٤. يَا وَلَدَانِ، أَ أَنْتُمَا حَاضِرَانِ؟ نَعَمْ، نَحْنُ حَاضِرَانِ.

ای دو پسر، آیا شما حاضرید؟ بله ما حاضریم

رمز



۱. زبان
۲. دانشجویان
۳. تندرستی
۴. سخن
۵. نماز
۶. اتاق
۷. ستون
۸. روز
۹. آن‌ها
۱۰. دور
۱۱. فراموشی
۱۲. همنشینی
۱۳. دشمنی
۱۴. نزدیک
۱۵. این‌جا



رمز: الصلاة محمود الدين

الدَّرْسُ الثَّانِي (بخش دوم)

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۱ کلمه)

راننده	سَائِق	خواهر	أُخْت
آسمان «جمع: سَمَوات»	سَمَاء	برادر	أَخ (أخو)
خودرو	سَيَّارَة	زمین	أَرْض
آقا، سرور خانم	سَيِّد سَيِّدَة	من	أَنَا
دوست «جمع: أَصْدِقَاء»	صَدِيق	قطعاً، به راستی که	إِنَّ
مهمان «جمع: ضُیُوف»	ضَيْف	تو «مؤنث»	أَنْتِ
نویسنده	كَاتِب	تو «مذکر»	أَنْتَ
زبان	لُغَة	شما «جمع مؤنث»	أَنْتُنَّ
چه کسی، چه کسانی مالِ چه کسی، مالِ چه کسانی	مَنْ لِمَنْ	همنشینِ بد بدی، بد	جَلِيسُ السَّوْءِ سوء
تنهایی	وَحْدَة	تلفن همراه	جَوَّال (أَلْهَاتِفُ الْجَوَّالِ)
		شمشیر	حُسام

كُنُوزُ الْحِكَمِ

۱. اَلنَّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ، وَ الْإِيمَانُ وَ صَاحِبُهُ فِي الْجَنَّةِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

بِالزَّيْرِ از ایمان است و ایمان و صاحبش در بهشت هستند.

۲. اَلْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوْءِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

تنهایی بهتر از همنشین بد است.

۳. إِنَّ حُسْنَ الْعَهْدِ مِنَ الْإِيمَانِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

قطعاً خوش قولی از ایمان است.

۴. اَلْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ. الْأَمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

عجله کردن از شیطان است.

۵. رَبُّ كَلَامٍ كَالْحُسَامِ. الْأَمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

چه بسا سخنی که مانند شمشیر است.

لِمَنْ؟

مَنْ؟



بانوی شیمی ایران
دکتر افسانه صفوی

مَنْ هِيَ؟ او کیست؟

هِيَ عَالِمَةٌ إِيرَانِيَّةٌ.

او دانشمندی ایرانی است.



مَنْ هُوَ؟ او کیست؟

هُوَ مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الرَّازِيُّ.

او محمد بن زکریای رازی است.



نماد پایداری بانوان ایرانی
در دفاع مقدس

این زن کیست؟
او رزمده است.



لِمَنْ تِلْكَ السَّيَّارَةُ؟
لِمُدِيرِ الْمَدْرَسَةِ.

این ماشین برای کیست؟
برای مدیر مدرسه.



مَنْ أَنْتِ؟
أَنَا مُدِيرَةُ الْمَكْتَبَةِ.

تو کیستی؟
من مدیر کتابخانه هستم.



این دانشمند کیست؟
او ابوریحان است.



این کیف برای کیست؟
برای مریم.



مَنْ أَنْتَ؟
أَنَا مُدِيرُ الْمَكْتَبَةِ.

تو کیستی؟
من مدیر کتابخانه هستم.

«مَنْ» به معنای «چه کسی» و «چه کسانی» است؛ مثال:

- مَنْ أَسْتَاذُ اللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ؟ - أَلْسَيِّدُ أَكْبَرِي.
- مَنْ أَسْتَاذَةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟ - أَلْسَيِّدَةُ شَفِيعِي.

الْتَّمَارِين

١ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

پاسخ هر پرسش کدام است؟



حکیم خیام نیشابوری



سیده اعظم حسینی
نویسنده کتاب دا

٢. مَنْ هُوَ؟

☒ هُوَ شَاعِرٌ إِيرَانِيٌّ.

☐ نَعَمْ؛ هُوَ شَاعِرٌ.

١. مَنْ هَذِهِ الْمَرْأَةُ؟

☐ هُوَ ضَيْفٌ.

☒ هِيَ كَاتِبَةٌ.



۴. لِمَنْ هَذَا الْمَرَقْدُ؟

☒ لِمَوْلَانَا جَلَالِ الدِّينِ.

☐ هَذَا جَلَالُ الدِّينِ.



۳. مَنْ هِيَ؟

☒ هِيَ لَاعِبَةٌ مُحَجَّبَةٌ.

☐ هِيَ جُنْدِيَّةٌ شُجَاعَةٌ.

۲. التَّمَرِينُ الثَّانِي:

ترجمه کنید.

۱. هَلْ مِنْ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؟. الْأَعْدُ/ ۱۶

پیرودگار آسمان و زمین کیست؟

۲. لِمَنْ ذَلِكَ الْجَوَّالُ الْجَمِيلُ؟ - لِلسَّيِّدِ أَخْلَاقِي.

آن ترفندهای زیبا برای کیست؟ - برای آقای اخلاقی

۳. مَنْ هَذِهِ الْبِنْتُ الصَّغِيرَةُ؟ - هِيَ أُخْتُ سِينَا.

این دختر کوچک کیست؟ - او خواهر سينا است

۴. مَنْ فِي الْغُرْفَةِ؟ - الْضُّيُوفُ فِي الْغُرْفَةِ.

در اتاق کیست؟ - مهمانان در اتاق هستند

۵. مَنْ أَتْنَنُ يَا بَنَاتُ؟ - نَحْنُ طَالِبَاتُ ذَلِكَ الصَّفِّ.

شما که هستید ای دختران؟ - ما دانش آموزان آن کلاسیم

٣ التَّعْمِرينُ الثَّالِثُ:

گزینۀ مناسب را انتخاب کنید.

١. مَنْ أَنْتِ يَا بِنْتُ؟ ☐ أَنْتِ صَدِيقُ حَامِدٍ ☒ أَنَا صَدِيقَةُ زَيْنَبِ
٢. لِمَنْ هَذَا الْقَلَمُ؟ ☒ لَتِلْكَ الطَّالِبَةِ ☐ الْقَلَمُ هُنَا
٣. مَنْ ذَلِكَ الرَّجُلُ؟ ☒ هُوَ سَائِقُ السَّيَّارَةِ ☐ أَنْتِ سَائِقَةُ السَّيَّارَةِ
٤. مَنْ تِلْكَ الْبِنْتُ؟ ☒ هِيَ أُخْتُ ثُرَيَّا ☐ هُوَ أَخُو ثُرَيَّا
٥. أَنْتِ يَا وَلَدُ. ☒ طَالِبٌ عَزِيزٌ ☐ طَالِبَتَانِ عَزِيزَتَانِ

٤ التَّعْمِرينُ الرَّابِعُ:

به پرسش‌های زیر، پاسخ کوتاه دهید. (در یک یا دو کلمه)

١. مَنْ مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ؟ (مَنْ مُدِيرَةُ الْمَدْرَسَةِ؟)

السَّيِّدُ حَسَنِي

٢. هَلِ الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوْءِ؟

نعم

٣. مَنْ أَنْتِ؟ (مَنْ أَنْتِ؟)

أَنَا طَالِبٌ

٤. مَنْ خَالِقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؟

الله

٥. مَنْ مُدَرِّسُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟ (مَنْ مُدَرِّسَةُ اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟)

السَّيِّدُ يَوْسُفِي

الدَّرْسُ الثَّانِي (بخش سوم)

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۱ کلمه)

انجام دهنده‌اش	فَاعِلُهُ	برتر، برترین	أَفْضَلُ
چه، چه چیز، چیست	مَا، مَاذَا	به، به سوی، تا	إِلَى
مدارا کردن	مُدَارَاةٌ	مادر «جمع: أُمَّهَات»	أُمٌّ
میز	مِنْصَدَةٌ	سودمندترین	أَنْفَعُ
مردم	نَاسٌ	خانه	بَيْتٌ
زنان	نِسَاءٌ	اطراف	حَوْلَ
یشان، - آنان «جمع مذکر» سودمندترینشان	هُمْ أَنْفَعُهُمْ	چرخیدن	دَوَّرَانِ
م، - من مادرم	يَ - أُمِّي	ارزان	رَخِيصَةٌ
چپ	يَسَارٌ	بنده	عَبْدٌ
راست	يَمِينٌ	زندگی	عَيْشٌ
		گران، ارزشمند	غَالِيَةٌ

کَنْزُ النَّصِيحَةِ

۱. أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

برترین مردم سودمندترین برای مردم است.

۲. الْخَيْرُ كَثِيرٌ وَفَاعِلُهُ قَلِيلٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

خوبی بسیار و انجام دهنده اش کم است.

۳. الْإِنْسَانُ عَبْدُ الْإِحْسَانِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ ع

انسان بنده نیکی است.

۴. بَلَاءُ الْإِنْسَانِ فِي لِسَانِهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ ع

بلاء انسان در زبانش است.

۵. سَلَامَةُ الْعَيْشِ فِي الْمُدَارَةِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ ع

سلامتی زندگی در مدار کردن است.

ما؟



ما هَذِهِ؟

این چیست؟
این هدیه ای برای مادرم است.



ما هَذَا؟

این چیست؟
این کلید خانه است.



ما مَعْنَى هَذِهِ الْعَلَامَةِ؟
الْدَّوْرَانُ إِلَى الْيَسَارِ مَمْنُوعٌ.

ما مَعْنَى هَذِهِ الْعَلَامَةِ؟
الْدَّوْرَانُ إِلَى الْيَمِينِ مَمْنُوعٌ.

معنای این علامت چیست؟
معنای این علامت چیست؟
گرددش به راست ممنوع
گرددش به چپ ممنوع

«ما» و «ماذا» برای پرسش از «چیستی» است؛ مثال:

مَا الْمُشْكِلُ؟ مَا اسْمُكَ؟ مَا الْخَبْرُ؟ ماذا هنا؟

این جمله‌ها را ترجمه کنید.

مَا اللُّغَةُ الرَّسْمِيَّةُ فِي إِيرَانَ؟ - الْفَارْسِيَّةُ.

زبان رسمی در ایران چیست؟ - فارسی

ماذا عَلَى الْمِنْصَدَةِ؟ - جَوَّالُ أُمِّي.

چه چیزی روی میز است؟ - گونی همراه مادرم

مَا حَوَّلَ الْبَيْتِ؟

- عَمُودٌ كَبِيرٌ.

اطرف خانه چیست؟ - ستونی بزرگ

١. الْتَّمَارِينُ الْأَوَّلُ:

به پرسش‌های زیر، پاسخ کوتاه دهید. (در یک کلمه)



٢. مَا تِلْكَ عَلَى الْجَبَلِ؟
شجرة



١. مَا ذَلِكَ؟
عمود



٤. مَا هَذِهِ؟
كرسي



٣. مَا هَذَا؟
عنب

۲ التَّمَرِينُ الثَّانِي:

ترجمه کنید.

۱. ما هاتان؟ - هاتان، هَدِيَّتَانِ غَالِيَتَانِ.

این دو چیستند؟ - این دو، هدیه گرانبه هستند.

۲. ما هُذِهِ؟ - هُذِهِ، جَائِزَةٌ ذَهَبِيَّةٌ لِلْفَائِزِ الْأَوَّلِ.

این چیست؟ - این جایزه ای طلایی برای برنده اول است.

۳. ماذا في تِلْكَ السَّيَّارَةِ الْكَبِيرَةِ؟ - حَقَائِبُ الْمُسَافِرِينَ.

در آن ماشین بزرگ چیست؟ - چمدان های مسافران.

۳ التَّمَرِينُ الثَّلَاثُ:

متضاد کلمات زیر کدام است؟

حُسْنٌ - رَخِيصَةٌ - كَثِيرٌ - جَالِسٌ - جَمَاعَةٌ - بَعِيدٌ

قَرِيبٌ ≠ بَعِيدٌ قَلِيلٌ ≠ كَثِيرٌ وَحْدَةٌ ≠ جَمَاعَةٌ
وَاقِفٌ ≠ جَالِسٌ سَوْءٌ ≠ حَسَنٌ غَالِيَةٌ ≠ رَخِيصَةٌ

۴ التَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

از میان کلمات زیر، معادل مؤنث هر کلمه را پیدا کنید و بنویسید.

الْبَيْتُ - الْبَنَاتُ - الْمَرْأَةُ - النِّسَاءُ - هَذِهِ - أَنْتِ - هِيَ - الْأَخْتُ - هَاتَانِ - تِلْكَ

الرَّجُلُ: الْمَرْأَةُ الْوَلَدُ: الْبِنْتُ الرِّجَالُ: النِّسَاءُ الأولاد: البنات أَنْتَ: أَنْتِ
هَذَا: هَذِهِ ذَلِكَ: هَذَانِ هَذَانِ: هَاتَانِ الْأَخُ: الْأَخْتُ هُوَ: هِيَ

الدَّرْسُ الثَّانِي (بخش چهارم)

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۳ کلمه)

أَقْدَام	پاها «مفرد: قَدَم»	عَلَيْكَ بِـ	بر تو باد!، بر تو لازم است.
أَمَامَ	روبه‌رو	فَوْقَ	بالا، روی
أَيَّنَ مِنْ أَيَّنَ	کجا اهلِ کجا، از کجا	قَرِيبٌ مِنْ	نزدیک به
بَاب	در «جمع: أَبْوَاب»	قَمِيصَ	پیراهن
بَقَرَةٌ	گاو	كُم	یتان، - شما «جمع مذکر»
تَحْتَ	زیر	كُما	یتان، - شما «مثنیٰ مذکر» و «مثنیٰ مؤنث»
جَنْبَ	کنار	كُنَّ	یتان، - شما «جمع مؤنث»
خَلْفَ	پشت	مَعَ	با، همراه
سِرْوَال	شلوار	وَرَاءَ	پشت
سَفِينَةٌ	کشتی	هُنَاكَ	آنجا
عَلَى الْيَسَارِ	سمت چپ	يَدَ	دست
عَلَى الْيَمِينِ	سمت راست		

الْحِكْمُ النَّافِعَةُ

۱. الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

(اندیش) کار را به نیت است.

۲. عَلَيْكَ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

مدا را کردن با مردم بر تو لازم است.

۳. حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

خوش اخلاقی نیمی از دین است.

۴. الْجَنَّةُ تَحْتَ أَقْدَامِ الْأَمْهَاتِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

بهشت زیر پای های ما دران است.

۵. يَدُ اللَّهِ مَعَ الْجَمَاعَةِ. الْإِمَامُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

دست خدا همراه جماعت است.

أَيْنَ؟



أَيْنَ الرَّجُلُ؟

تَحْتَ السَّيَّارَةِ.

مرد کجا است
زیر ماشین



أَيْنَ السَّفِينَةُ؟

فِي الْخَلِيجِ الْفَارِسِيِّ.

کشتی کجا است؟
در خلیج فارس



أَيْنَ الْوَلَدُ؟

خَلْفَ الْبَابِ.

پسر کجا است؟
پشت درب



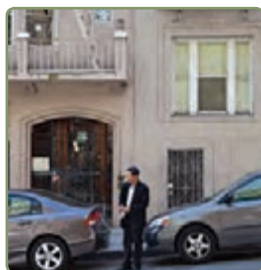
خانه کجاست ؟
باری درخت

أَيْنَ الْبَيْتِ؟
فَوْقَ الشَّجَرَةِ.



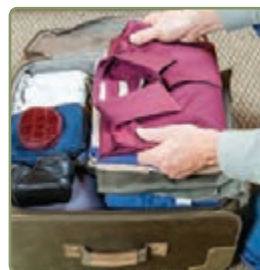
مرد کجاست ؟
مقابل درب منزل

أَيْنَ الرَّجُلِ؟
أَمَامَ بَابِ الْبَيْتِ.



مرد کجاست ؟
میان دو ماشین

أَيْنَ الرَّجُلِ؟
بَيْنَ السَّيَّارَتَيْنِ.



لباس و شلوار کجاست ؟
در چمدان

أَيْنَ الْقَمِيصِ وَالسَّرَوَالِ؟
فِي الْحَقِييَةِ.



زرافه کجاست ؟
پشت درخت

أَيْنَ الزَّرَافَةِ؟
وَرَاءَ الشَّجَرَةِ.



کودک کجاست ؟
نزد مادرش

أَيْنَ الطِّفْلِ؟
عِنْدَ أُمِّهِ.

۱. در پاسخ به «أَيْنَ» از چنین کلماتی استفاده می‌کنیم:

فَوْقَ، تَحْتَ، أَمَامَ، خَلْفَ (وَرَاءَ)، جَنْبَ، عِنْدَ، حَوْلَ، بَيْنَ، فِي، عَلَى، عَلَى الْيَمِينِ، عَلَى الْيَسَارِ، هُنَا، هُنَاكَ

۲. برای اینکه از کسی بپرسیم «شما اهل کجا هستید؟» از اصطلاح «مِنْ أَيْنَ؟» استفاده می‌کنیم:



مِنْ أَيْنَ أَنْتِ؟
- أَنَا مِنْ مِصرَ. (أَنَا مِصْرِيَّةٌ.)

مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟
- أَنَا مِنْ مِصرَ. (أَنَا مِصْرِيٌّ.)

اکنون به یکی از دو پرسش زیر پاسخ دهید.

- مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ - أَنَا مِنْ إيران. أنا إيراني.

- مِنْ أَيْنَ أَنْتِ؟ - أَنَا مِنْ إيران. أنا إيرانية.

۳. اصطلاح «عَلَيْكَ بِ» به معنای «بر تو لازم است»، «تو باید» و «پایبند باش به...» است؛ مثال: عَلَيْكَ بِالْخُرُوجِ = بر تو لازم است خارج شوی. تو باید خارج شوی.

ترجمه این جمله‌ها چیست؟

عَلَيْكَ بِالشُّكْرِ. تو باید تشکر کنی.
عَلَيْكَ بِالصَّبْرِ. تو باید صبر کنی.
عَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ. شما باید قرآن بخوانید.
عَلَيْكُمْ بِالْإِحْسَانِ. شما باید نیکی کنید.
عَلَيْكَ بِمُدَارَاةِ النَّاسِ. شما باید با مردم مدارا کنید.
عَلَيْكُمْ بِحُبِّ الْأَصْدِقَاءِ. شما باید دوستان را دوست دارید.

الْتَّمَارِين

١ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

با توجّه به تصویر به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.



أَيْنَ الْبَيْتَانِ؟
وراءَ الجبلِ



أَيْنَ الْبَقَرَةُ؟
تحت الشجرة

٢ التَّمَرِينُ الثَّانِي:

ترجمه کنید.

١. أَيْنَ الْمَكْتَبَةِ؟ - عَلَى الْيَمِينِ.
 ٢. أَيْنَ الْبُسْتَانِ؟ - عَلَى الْيَسَارِ.
 ٣. مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ - أَنَا مِنَ الْيَمَنِ.
 ٤. أَيْنَ الْمِفْتَاحِ؟ - هُنَاكَ؛ عَلَى الْبَابِ.
 ٥. أَيْنَ مَدِينَةُ بَدْرَةَ؟ - قَرِيبَةً مِنْ إِيلَامِ.
- کتابخانه کجاست؟ - سمت راست
 پارک کجاست؟ - سمت چپ
 تو اهل کجایی؟ - من اهل یمن هستم
 لید کجاست؟ - آنجی روی درب
 شهر بدره کجاست؟ - نزدیک ایلام

با توجّه به تصوّر، به پرسشها پاسخ کوتاه دهيد.

١. أَيْنَ الْوَلَدُ؟
أمام البقرة
٢. أَيْنَ السَّيَّارَةُ؟
تحت الشجرة
٣. أَيْنَ الرَّجُلُ؟
في السيارة
٤. أَيْنَ الْمَرْأَةُ؟
خلف المائدة
٥. ماذا عَلَى السَّيَّارَةِ؟
الحقيبة



الدَّرْسُ الثَّانِي (بخش پنجم)

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۴ کلمه)

پنج	خَمْسَة	دوازده	إِثْنَا عَشَرَ
هفت	سَبْعَة	دو	إِثْنَانِ
شش	سِتَّة	یازده	أَحَدَ عَشَرَ
بیست و شش	سِتَّةٌ وَعِشْرُونَ	چهار	أَرْبَعَة
ماه «جمع: شُهور»	شَهْر	هفته	أُسْبُوع
ده	عَشْرَة	کسی که، که	الَّذِي
چند، چقدر	كَمْ	دریا «جمع: بِحَار»	بَحْر
قرآن	مُصْحَف	نُه	تِسْعَة
آتش	نَار	سه	ثَلَاثَة
نگاه	نَظَر	هشت	ثَمَانِيَة
درد	وَجَع	گذرنامه	جَوَاز (جَوَازُ السَّفَر)
چهره	وَجْه	آفرید	خَلَقَ

الْمَوَاعِظُ الْعَدَدِيَّةُ

۱. النَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ، عِبَادَةٌ: نَظَاهُ بِسَبْعِ حِزْبٍ عِبَارَتِ اسْتِ.
- «النَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ» وَ «النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ» وَ «النَّظَرُ فِي الْبَحْرِ».
- نَظَاهُ بِقُرْآنٍ وَ نَظَاهُ بِجَهْدٍ بِدُرُومَادِرٍ وَ نَظَاهُ بِدِرْيَا
۲. أَرْبَعَةٌ، قَلِيلُهَا كَثِيرٌ: «الْفَقْرُ وَ الْوَجْعُ وَ الْعِدَاوَةُ وَ النَّارُ».
- بِهَارٍ (حِزْبٍ) لَمْشِ زِيَادِ اسْتِ: فَقْرٌ وَ دَرْدٌ وَ دُشْمَنِي وَ آتَشِ
۳. خَمْسَةُ أَشْيَاءَ، حَسَنَةٌ فِي النَّاسِ: «الْعِلْمُ وَ الْعَدْلُ وَ السَّخَاوَةُ وَ الصَّبْرُ وَ الْحَيَاءُ»^۱.
- بِنِجِ حِزْبِ دَر مَرُومِ نَبِلُوسْتِ: «دَانِشِ وَ عَدَالَتِ وَ بَخْشِ وَ صَبْرِ وَ شَرَمِ»

كَمْ؟



كَمْ جَوَالًا هُنَا؟

ثَلَاثَةٌ. سَهْ



كَمْ يَوْمًا أَيَّامُ الْأُسْبُوعِ؟

سَبْعَةٌ. هَفْتِ



كَمْ غَوَاصًا فِي هَذِهِ الصُّورَةِ؟

أَرْبَعَةٌ. جِهَارِ



كَمْ لَاعِبًا فِي الصُّورَةِ؟

سِتَّةٌ. شَشِ



كَمْ سِرْوَالًا هُنَا؟

ثَمَانِيَةٌ. هَمْتِ



كَمْ عَدَدُ الْمَفَاتِيحِ؟

خَمْسَةٌ. بِنِجِ

چند خواص در این تصویر است؟ چند روز است روزهای هفته؟ چند درختی همراه انبیاست؟
 تعداد کمدی چند است؟ چند شلوار انبیاست؟ چند بازیکن در تصویر است؟
 ۱. هر سه حدیث از رسول الله ﷺ است.

۱. عددهای اصلی:

۱. واحد ۲. اثنان ۳. ثلاثة ۴. أربعة ۵. خمسة ۶. ستة
۷. سبعة ۸. ثمانية ۹. تسعة ۱۰. عشرة ۱۱. أحد عشر ۱۲. اثناعشر

۲. کلمه پرسشی «کَمْ» به معنای «چند» است؛ مثال:

کَمْ جَوَازاً عَلَى الْمِنْصَدَةِ؟ - عَشْرَةٌ.

الْتِمَارِين

۱. التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

گزینۀ درست کدام است؟

۱. کَمْ أُسْبُوعاً فِي الشَّهْرِ؟ ☐ عَشْرَةٌ ☒ أَرْبَعَةٌ
۲. کَمْ صَفّاً فِي الْمَرْحَلَةِ الْإِبْتِدَائِيَّةِ؟ ☒ سِتَّةٌ ☐ اِثْنَانِ

۲. التَّمْرِينُ الثَّانِي:

ترجمه کنید.

۱. ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ﴾ هود: ۷
او کسی است که آسمان و زمین را در شش روز آفرید
۲. ﴿إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَاعَشَرَ شَهْرًا﴾ الْبَقَرَة: ۳۶
قطعه تعداد ماهها نزد خدا دوازده ماه است
۳. کَمْ يَوْمًا أَنْتَ فِي السَّفَرِ؟ - تَقْرِيباً تِسْعَةُ أَيَّامٍ.
چند روز تو در سفر هستی؟ - تقریباً نه روز

تعداد بیابان در قرآن چندتا است ؟ بخوانید و ترجمه کنید
 ۱. گم عَدَدُ الْأَنْبِيَاءِ فِي الْقُرْآنِ؟
 ۲۶ بیابان - سِتَّةٌ وَعِشْرُونَ نَبِيًّا.



تعداد سوره به نام حیوانات در قرآن است ؟
 ۲. گم سُوْرَةُ بِاسْمِ الْحَيَوَانَاتِ فِي الْقُرْآنِ؟
 ۵ سوره - خَمْسُ سُورٍ.



تعداد سجده های واجب در قرآن چندتا است ؟
 ۳. گم عَدَدُ السَّجْدَاتِ الْوَاجِبَةِ فِي آيَاتِ الْقُرْآنِ؟ - أَرْبَعُ سَجْدَاتٍ.
 ۴ سجده



۱. ارزشیابی از عددی مشابه «سِتَّةٌ وَعِشْرُونَ» از اهداف کتاب نیست.

نَظَرَةٌ إِلَى الدَّرْسِ الثَّانِي

نگاهی به درس دوم

کلمات پرسشی

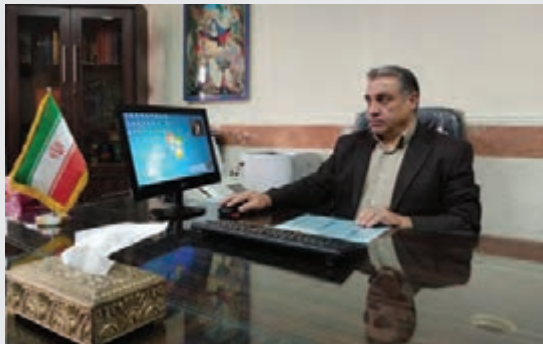


مثال

کلمه پرسشی

هَلْ هَذَا جُنْدِيٌّ؟ (أَهَذَا جُنْدِيٌّ؟) - نعم؛ هَذَا جُنْدِيٌّ.

أ، هَلْ: آیا



مثال

کلمه پرسشی

مَنْ هُوَ؟ - هُوَ مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ.

مَنْ: چه کسی، کیست، چه کسانی

کلمات پرسشی



مثال

کلمه پرسشی

لِمَنْ هَذِهِ الْحَقِيبَةُ؟ - هَذِهِ الْحَقِيبَةُ، لِصَدِيقَتِي.

لِمَنْ: مالِ چه کسی



مثال

کلمه پرسشی

ما هَذَا؟ - ذَلِكَ قَلَمٌ.

ما، ماذا: چیست، چه چیزی

کلمات پرسشی



مثال

کلمه پرسشی

مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ - مِنْ هَمْدَانَ.

أَيْنَ: کجا



مثال

کلمه پرسشی

كَمْ طَالِبًا فِي الصَّفِّ؟ - عَشْرَةٌ.

كَمْ: چند



الدَّرْسُ الثَّالِثُ (ضمير)



- كَيْفَ حَالُكَ؟ - أَنَا بِخَيْرٍ وَ كَيْفَ أَنْتِ؟



الدَّرْسُ الثَّالِثُ

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۱۹ کلمه)

شارِع	خیابان	پدر	أَب (أَبُو)
صَبَاحُ الْخَيْرِ، صَبَاحُ النُّورِ	صبح به خیر	یکی از، کسی	أَحَدٌ
فِي أَمَانِ اللَّهِ	خداحافظ	خانواده	أُسْرَةٌ
كَيْفَ	چطور	که، کسی که	الَّتِي
كَ حَالِكٍ	کَت، - تو حالت، حالِ تو	به امید دیدار	إِلَى اللِّقَاءِ
مَعَ السَّلَامَةِ	به سلامت	خویم	أَنَا بِخَيْرٍ
نَا فُنْدُقْنَا	یمان، - ما هتِلِمان، هتِلِ ما	خوش آمدید	أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ
نِهَایَةِ	پایان	کدام، چه	أَيَّ
هُمَا وَجْهَهُمَا	یشان، - آن‌ها، - آن‌دو صورتشان	پدربزرگ مادربزرگ	جَدَّ جَدَّة
		گفت و گو	جَوَار

حوارُ بَيْنَ وَلَدَيْنِ



سَمِير:

حَمِيد:

1 - أَهلاً وَ سَهْلاً بِكُمْ؛ صَبَاحَ الْخَيْرِ.

- صَبَاحَ النُّورِ.

2 - كَيْفَ حَالُكَ؟

- أَنَا بِخَيْرٍ وَ كَيْفَ أَنْتَ؟

3 - أَنَا بِخَيْرٍ؛ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟

- أَنَا مِنْ إِيرانَ وَ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟

4 - أَنَا مِنْ الْعِرَاقِ؛ هَلْ أَنْتَ مِنْ مَشْهَدَ؟

- لَا؛ أَنَا مِنْ مازَنْدَرانَ.

5 - وَ أَنَا مِنْ الْبَصْرَةِ.

- مَا اسْمُكَ؟

6 - إِسْمِي سَمِيرٌ وَ مَا اسْمُكَ؟

- إِسْمِي حَمِيدٌ.

کنتووی میان دو پسر

سمیر

حمید

1 - خوش آمدید صبح بخیر

- صبح بخیر (نورانی)

2 - حالت چطور است؟

- من خوبم و تو چطوری؟

3 - من خوبم؛ اهل کجایی؟

- من اهل ایرانم و تو اهل کجایی؟

4 - من اهل عراقم آیا تو اهل مشهدی؟

- نه من اهل مازندرانم

5 - و من اهل بصره ام

- اسمت چیست؟

6 - اسم من سمیر است و اسم تو چیست؟

- اسم من حمید است

7 - خانواده ات کجا هستند؟

- آنها آنجا نشسته اند

8 - هتلتان کجاست؟

آن پدرم و آن مادرم است
آن پدر بزرگم و آن مادر بزرگم است
در انتهای این خیابان

9 - چند روز شما در کربلا هستید؟

- ۲ روز

10 - این پسر کیست؟

- او برادرم است

11 - اسمش چیست؟

- اسمش جعفر است

12 - در امان خدا

- به امید دیدار به سلامت

7 - أَيْنَ أُسْرَتُكَ؟

- هُمْ جَالِسُونَ هُنَاكَ.

ذَلِكَ أَبِي وَتِلْكَ أُمِّي.

ذَلِكَ جَدِّي وَتِلْكَ جَدَّتِي.

- فِي نِهَآيَةِ هَذَا الشَّارِعِ.

- ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ.

- هُوَ أَخِي.

- إِسْمُهُ جَعْفَرٌ.

- إِلَى اللِّقَاءِ. مَعَ السَّلَامَةِ.

8 - أَيْنَ فُنْدُقُكُمْ؟

9 - كَمْ يَوْمًا أَنْتُمْ فِي كَرْبَلَاءَ؟

10 - مَنْ هَذَا الْوَلَدُ؟

11 - مَا اسْمُهُ؟

12 - فِي أَمَانٍ لِلَّهِ.

الْتَّمَارِين

١ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

بَا تَوَجَّهْ بَه مَتْنِ دَرَسْ، پَاسَخْ صَحِيحْ وَ غَلَطْ رَا مَعْلُومْ كَنِيد.

صَحِيحْ غَلَطْ



١. سَمِيرٌ مِنْ مِصْرٍ.



٢. جَعْفَرٌ أَخُو حَمِيدٍ.



٣. حَمِيدٌ مِنْ مَارَنْدَرَانٍ.



٤. أُسْرَةُ حَمِيدٍ فِي كَرْبَلَاءَ أَرْبَعَةَ أَيَّامٍ.



٥. فُنْدُقُ أُسْرَةِ حَمِيدٍ فِي بَدَايَةِ الشَّارِعِ.

۲ التَّمَرِينُ الثَّانِي:

به پرسش‌های زیر پاسخ دهید.

۱. كَيْفَ حَالُكَ؟ (كَيْفَ حَالُكَ؟) *انا بخير*
۲. مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ (مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟) *انا من ايران*
۳. مَا اسْمُكَ؟ (مَا اسْمُكَ؟) *اسمى حميد*
۴. أَيْنَ بَيْتُكَ؟ (أَيْنَ بَيْتُكَ؟) *في شارع رى*

الْقُرْآنِيَّات

بخوانید و ترجمه کنید.

سرور آیات قرآن چیست؟ - آیه الكرسي

۱. ما هِيَ^۱ سَيِّدَةُ^۲ آيَاتِ الْقُرْآنِ؟ - آيَةُ الْكُرْسِيِّ.



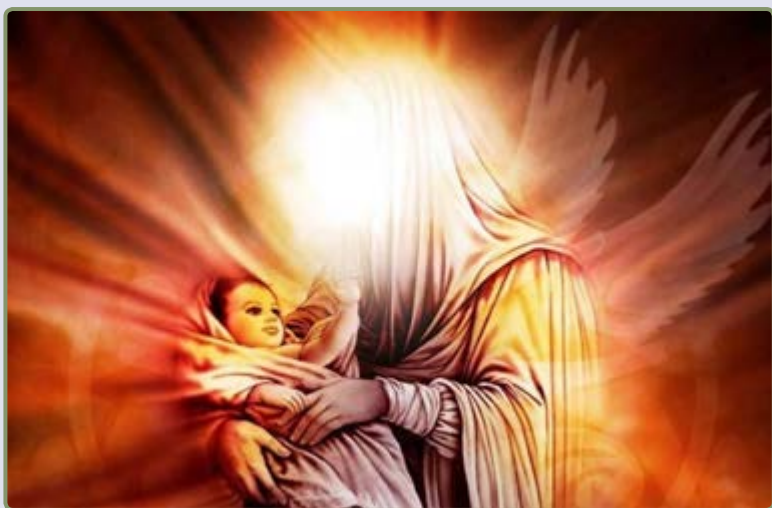
۱. «هِيَ» در «ما هِيَ» ترجمه نمی‌شود.

۲. «سَيِّدَةُ»: بانو، سرور

کدام سوره به نام یکی از فلزات است؟ - سوره الحديد (آهن)
 ۲. آي سوره باسم اَحَدِ الْفِلِزَّاتِ؟ - سوره «الحديد».



کدام سوره است به نام زن است؟ - سوره مريم
 ۳. ما هي السّورة التي باسم امرأة؟ - سوره «مريم».



نَظَرُهُ إِلَى الدَّرْسِ الثَّالِثِ^۱

نگاهی به درس سوم

ضمی‌های مُنْفَصِل				
عربی				فارسی
أَنَا أَنَا فَائِزَةٌ.		أَنَا أَنَا فَائِزٌ.		من
أَنْتِ (مفرد مؤنث) أَنْتِ نَاجِحَةٌ.		أَنْتَ (مفرد مذکر) أَنْتَ نَاجِحٌ.		تو
هِيَ (مفرد مؤنث) هِيَ جَمِيلَةٌ.		هُوَ (مفرد مذکر) هُوَ جَمِيلٌ.		او
نَحْنُ نَحْنُ وَاقِفَتَانِ.	نَحْنُ نَحْنُ وَاقِفَانِ.	نَحْنُ نَحْنُ وَاقِفَاتٌ.	نَحْنُ نَحْنُ وَاقِفُونَ.	ما
أَنْتُمَا (مثنی مؤنث) أَنْتُمَا مَسْرُورَتَانِ.	أَنْتُمَا (مثنی مذکر) أَنْتُمَا مَسْرُورَانِ.	أَنْتُنَّ (جمع مؤنث) أَنْتُنَّ مَسْرُورَاتٌ.	أَنْتُمْ (جمع مذکر) أَنْتُمْ مَسْرُورُونَ.	شما
هُمَا (مثنی مؤنث) هُمَا جَالِسَتَانِ.	هُمَا (مثنی مذکر) هُمَا جَالِسَانِ.	هُنَّ (جمع مؤنث) هُنَّ جَالِسَاتٌ.	هُمْ (جمع مذکر) هُمْ جَالِسُونَ.	ایشان (آن‌ها)

۱. قابل توجه دانش آموزان:

مطالب این بخش، جدید نیست. شما قبلاً معنای این ضمی‌ها را آموخته‌اید. اکنون در این بخش، آن‌ها را در دسته‌بندی مرتب مشاهده می‌کنید. در منزل مطالعه کنید؛ سپس در کلاس درس، صرفاً رفع اشکال کنید.

ضمیرهای متصل

فارسی				عربی
مَ، - من				ی بِیْتِی
تَ، - تو				کَ (مفرد مذکر) بِیْتُکَ کَ (مفرد مؤنث) بِیْتُکَ
شَ، - او				هَ، هِ (مفرد مذکر) بِیْتُهَ ها (مفرد مؤنث) بِیْتُها
ما، - ما				نا بِیْتُنا
تَن، - شما				کُم (جمع مذکر) بِیْتُکُم کُنْ (جمع مؤنث) بِیْتُکُنْ کُما (مثنیٰ مذکر) بِیْتُکُما کُما (مثنیٰ مؤنث) بِیْتُکُما
شان، - ایشان (- آن‌ها)				هُم، هِم (جمع مذکر) بِیْتُهُم هُنَّ، هِنَّ (جمع مؤنث) بِیْتُهُنَّ هُما، هِما (مثنیٰ مذکر) بِیْتُهُما هُما، هِما (مثنیٰ مؤنث) بِیْتُهُما

ضمير							
ترجمه فارسی	متصل		ترجمه فارسی	منفصل			
	مؤنث	مذكر		مؤنث	مذكر		
ش، - او شان، - ایشان (آن دو) شان، - ایشان (آن ها)	ها هُمَا هُنَّ	هُ هُمَا هُمْ	او ایشان (آن دو) ایشان (آن ها)	هِيَ هُمَا هُنَّ	هُوَ هُمَا هُمْ	مفرد مثنی جمع	اُو اُنْ اُوْنْ
ت، - تو تان، - شما (دو نفر) تان، - شما (چند نفر)	كِ كُما كُنَّ	كَ كُما كُم	تو شما (دو نفر) شما (چند نفر)	أَنْتِ أَنْتُمَا أَنْتُنَّ	أَنْتَ أَنْتُمَا أَنْتُمْ	مفرد مثنی جمع	اَنْتِ اَنْتُمَا اَنْتُنَّ
م، - من مان، - ما	ي نا		من ما	أَنَا نَحْنُ		متكلم وحده متكلم مع الغير	

فعل ماضى



قَرَأَتْ



كَتَبَ



سَمِعَتْ



رَفَعَ



صَبِرَتْ



حَزَنْتَ



عَرَفْتُ



جَلَسَ



لَعِبُوا



عَلِمْنَ



وَقَفْنَا



صَعِدْنَا



وَصَلَا



فَرِحْتُنَّ



أَكَلْنَا



نَظَرْتُمَا



الدَّرْسُ الرَّابِعُ (فعل ماضى: فَعَلْتُ، فَعَلْتِ، فَعَلْتُمْ)



- أَيْنَ ذَهَبْتِ؟ - ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ.



الدَّرْسُ الرَّابِعُ

اَلْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۸ کلمه)

اَحَذَ	گرفت، برداشت	شُكْرًا جَزِيلًا	بسیار متشکرم
اِشْتَرَى	خرید اِشْتَرَيْتُ: خریدم اِشْتَرَيْتَ: خریدی «مذکر» اِشْتَرَيْتِ: خریدی «مؤنث»	عِبَاءَةٌ	چادر
اَكَلَ	خورد اَكَلْتُ: خوردم اَكَلْتُ: خوردی «مؤنث»	عَلِمَ	پرچم
اَلْفَ	هزار	عِنْدَكَ	داری، نزد تو
أَمَّ	یا	غَسَلَ	شُست
بَقِيَ	ماند باقیت	فُتْنَان	پیراهن زنانه
تَأْشِيرَةً	ویزا	قَرَأَ	خواند
تُقَاح، تُفَاحَة	سیب	كَانَ، كَانَتْ	بود
ذَكَرَ	یاد کرد	كَتَبَ	نوشت
ذَهَبَ	رفت	لَا فَرْقَ	هیچ فرقی نیست
رِسَالَةً	نامه	لِمَاذَا	چرا، برای چه
رَفَعَ	بالا بُرد، برداشت	مَسِيرَةً	راه‌پیمایی
سوق	بازار	مَلَابِسَ	لباس‌ها
شُرْطِيّ	مأمورِ پلیس	وَحَدَكَ وَحَدَكِ	تو به تنهایی «مذکر» تو به تنهایی «مؤنث»

فِي السُّوقِ



- 1 - أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا أُمَّ حَمِيدٍ؟
- 2 - هَلِ اشْتَرَيْتِ شَيْئًا؟
- 3 - أَ ذَهَبْتَ وَحْدَكَ؟
- 4 - كَيْفَ كَانَتْ قِيمَةُ الْمَلَابِسِ؛ رَخِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟
- 5 - فَلِمَذَا اشْتَرَيْتِ؟
- 6 - مَاذَا اشْتَرَيْتِ؟
- 7 - مَلَابِسٌ جَمِيلَةٌ! فِي أَمَانِ اللَّهِ.
- ذَهَبْتُ إِلَى سَوْقِ النَّجَفِ.
- نَعَمْ؛ اشْتَرَيْتُ مَلَابِسَ نِسَائِيَّةً.
- لَا؛ ذَهَبْتُ مَعَ صَدِيقَاتِي.
- مِثْلَ إِيرَانَ؛ لَا فَرْقَ؛ لَكِنْ اشْتَرَيْتُ.
- اشْتَرَيْتُ لِلْهَدِيَّةِ.
- فُسْتَانًا وَ عِبَاءَةً.
- شُكْرًا جَزِيلًا؛ مَعَ السَّلَامَةِ.

در بازار

- 1 - کجا رفتی ای مادر حمید؟
- رفتم به بازار نجف.
- 2 - آیا چیزی خریدی؟
- بله لباس های زنانه خریدم.
- 3 - آیا به تنهایی رفتی؟
- نه به همراه دوستانم رفتم.
- 4 - قیمت لباس ها چگونه بود؟ ارزان یا گران؟
- مثل ایران فرق نمی کند ولی خریدم.
- 5 - پس چرا خریدی؟
- برای مهدیه خریدم.
- 6 - چه چیزی خریدی؟
- لباس زنانه و چادر.
- 7 - لباس های زیبایی است. در امان خدا.
- خیلی ممنون به سلامت.

صفحه ۷۲ نیز مانند صفحه ۷۱ ترجمه می شود



- أَينَ ذَهَبْتَ يَا أَبَا حَمِيدٍ؟
 - هَلِ اشْتَرَيْتَ شَيْئًا؟
 - أَ ذَهَبْتَ وَحْدَكَ؟
 - كَيْفَ كَانَتْ قِيمَةُ الْمَلَابِسِ؛ رَخِيصَةً أَمْ غَالِيَةً؟
 - فَلِمَذَا اشْتَرَيْتَ؟
 - مَاذَا اشْتَرَيْتَ؟
 - مَلَابِسٌ جَمِيلَةٌ! فِي أَمَانٍ اللَّهُ.
- ذَهَبْتُ إِلَى سَوَاقِ النَّجَفِ.
 - نَعَمْ؛ اشْتَرَيْتُ مَلَابِسَ رِجَالِيَّةً.
 - لَا؛ ذَهَبْتُ مَعَ أَصْدِقَائِي.
 - مِثْلَ إِيرَانَ؛ لَا فَرْقَ؛ لَكِنْ اشْتَرَيْتُ.
 - اشْتَرَيْتُ لِلْهَدِيَّةِ.
 - قَمِيصًا وَسُرْوَالًا.
 - شُكْرًا جَزِيلًا؛ مَعَ السَّلَامَةِ.

فعل ماضى (١)



ماذا قَرَأْتَ؟
 قَرَأْتُ الْقُرْآنَ.

چه خواندی؟
 قرآن را خواندم



ماذا أَكَلْتَ؟
 أَكَلْتُ تَفَاحَةً.

چه خوردی؟
 سیب را خوردم

با فعل ماضی در درس فارسی آشنا شده‌اید.
فعل ماضی بر زمان گذشته دلالت دارد؛ مانند: «رَفَعْتُ: دَهَبْتُ».
از درس چهارم تا پایان درس هشتم با فعل ماضی آشنا می‌شوید.
به جمله‌های فارسی و عربی زیر دقت کنید.

من انجام دادم.	اول شخص مفرد	أَنَا فَعَلْتُ. (متکلم وحده)	
تو انجام دادی.	دوم شخص مفرد	أَنْتَ فَعَلْتَ. (مفرد مذکر مخاطب)	
		أَنْتِ فَعَلْتِ. (مفرد مؤنث مخاطب)	



أَنَا رَفَعْتُ عَلَمَ إِيْرَانِ.



أَنَا كَتَبْتُ رِسَالَةً لِصَدِيقِي.



أَنْتِ قَرَأْتِ كِتَابًا عِلْمِيًّا.



أَنْتَ أَخَذْتَ كِتَابًا مُفِيدًا.

الْتَّمَارِين

١ الْتَّمَارِينُ الْأَوَّلُ:

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل‌های ماضی خط بکشید.

١. أَيُّهَا الْمُسَافِرُ، أَذَهَبْتَ إِلَى الْفُنْدُقِ؟ - لَا؛ ذَهَبْتُ إِلَى السُّوقِ.

ای مسافر، آیا به هتل رفتم؟ - نه به بازار رفتم

٢. مَنْ أَيْنَ أَخَذْتَ قَمِيصَكَ؟ - أَخَذْتُهُ مِنْ هُنَاكَ.

پیراهنت را از کجا گرفتم؟ - آن را از آنجا گرفتم

٣. مَاذَا غَسَلْتَ؟ - غَسَلْتُ وَجْهِي وَ يَدَيَّ لِلْوُضوءِ.

چه چیزی شستم؟ - صورتم و دستم را برای وضوء شستم

٤. مَاذَا اشْتَرَيْتَ؟ - اشْتَرَيْتُ فُسْتَانًا وَ عَبَاءَةً.

چه چیزی خریدی؟ - پیراهن زنانه و چادر خریدم

٢ الْتَّمَارِينُ الثَّانِي:

گزینه درست را انتخاب کنید.

١. كَمْ تُفَاحَةً أَكَلْتُ؟ تُفَاحَتَيْنِ. ☒ أَكَلْتُ ☐

٢. أَأَنْتَ هَدَيْتَكَ؟ ☐ أَخَذْتُ ☒

٣. أَنْتَ صَدِيقَتِكَ. ☒ ذَكَرْتُ ☐

٤. أَأَنْتَ الْعَلَمَ؟ ☒ رَفَعْتُ ☐

٥. أَنَا مَلَابِيسِي. ☐ غَسَلْتُ ☒

الْأَرْبَعِينِات

نفلوای در راهی اربعین حسینی

حواراتٌ في مَسِيرَةِ الْأَرْبَعِينَ الْحُسَيْنِيِّ

عِنْدَ الشَّرْطِيِّ نَزْدَ بَلِيسْ
کذنامهات کجاست؟

الشَّرْطِيُّ: - أَيْنَ جَوَازُكَ؟

الزَّائِرُ: - هَذَا جَوَازِي.

الشَّرْطِيُّ: - هَلْ عِنْدَكَ تَأْشِيرَةٌ؟

الزَّائِرُ: - نَعَمْ، عِنْدِي.

الشَّرْطِيُّ: - كَمْ يَوْمًا بَقِيَتْ هُنَا فِي الْكَاطِمِيَّةِ؟

الزَّائِرُ: - يَوْمًا وَاحِدًا.

الشَّرْطِيُّ: - كَمْ عَدَدُكُمْ؟

الزَّائِرُ: - نَحْنُ اثْنَا عَشَرَ زَائِرًا.

بله دارم.

کذنامه اسم است.

آیا روادید (ویزا) دارید؟

نعم، عندي.

یک روز

تعدادتان چند نفر است؟

ما ۱۲ زائر هستیم.

چند روز اینی در کاظمین میمانی؟







الدَّرْسُ الْخَامِسُ (فعل ماضى: فَعَلَ، فَعَلَتْ)



هُمُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ۖ وَالْأَنْعَامَ: ١



الدَّرْسُ الْخَامِسُ

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۷ کلمه)

عُدُوَان	دشمنی	إِذَا	هرگاه، اگر
فَتَحَ	باز کرد فَتَحَتْ: باز کرد «مؤنث»	أَرَادِلَ	فرومایگان، پست‌ترین‌ها
قَرُبَ مِنْ	نزدیک شد به	أَفْضَلَ	شایستگان، برترین‌ها
قَصِيرَ	کوتاه	أَقْرَبَ	نزدیک‌ترین
لَعِبَ	بازی کرد	بَحَثَ عَنْ	دنبال...گشت
مُسْلِمَ	مسلمان	نُتِمَ	سپس
مَلَكَ	فرمانروا شد	حَصَدَ	درو کرد
مَنْ	هرکس (شرطی) کسی که	حُسْرَان	زیان
وَاجِبَ	تکلیف	رَجَعَ	برگشت
وَجَدَ	پیدا کرد	زَرَعَ	کاشت
وَصَلَ	رسید	سَاعَدَكُمُ اللَّهُ	خسته نباشید، خداقوت
هَلَكَ	هلاک شد	سَلِمَ	سالم ماند
يُوجَدُ	وجود دارد، هست	صَعِدَ	بالا رفت
		طَرَقَ	کوبید

الْجُمَلَاتُ الذَّهَبِيَّةُ



1 لَعِبَ يَاسِرٌ مَعَ أَصْدِقَائِهِ فِي الْمَدْرَسَةِ.

2 رَجَعَ يَاسِرٌ إِلَى الْبَيْتِ بَعْدَ الظُّهْرِ.

3 هُوَ طَرَقَ بَابَ الْمَنْزِلِ.

4 سَمِعَتْ أُمُّهُ صَوْتَ الْبَابِ نِثْمَ دَهَبَتْ وَ فَتَحَتْ^١ الْبَابَ وَ سَأَلَتْهُ:

5 أَلَأُمُّ: كَيْفَ حَالُكَ؟

6 أَلْوَلَدُ: أَنَا بِخَيْرٍ.

7 أَلَأُمُّ: مَا وَاجِبَاتُكَ؟

8 يَاسِرٌ: حَفِظْتُ هَذِهِ الْجُمَلَاتِ الذَّهَبِيَّةَ.

9 «إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ؛ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.»

10 «مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ؛ حَصَدَ الْخُشْرَانَ.»^٢

11 «التَّجَرِبَةُ فَوْقَ الْعِلْمِ.»

12 «خَيْرُ النَّاسِ، أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ.»

13 «الْمُسْلِمُ، مَنْ سَلِمَ النَّاسُ مِنْ لِسَانِهِ وَيَدِهِ.»^{١٤} لِسَانُ الْمُقْصِرِ، قَصِيرٌ.



١. فَتَحَتْ + الْبَابُ = فَتَحَتْ الْبَابَ

به دلیل اینکه تلفظ دو حرف ساکن در کنار هم، در زبان عربی دشوار است؛ لذا حرف ساکنِ اول، کسره گرفته است.

٢. هر کس دشمنی کاشت (بکارد)؛ زیان درو کرد (درو می‌کند).

٣. مسلمان کسی است که مردم از زبانش و دستش سالم بمانند (در امان باشند).

جمله های طلایی

- 1 یاسر همراه دوستانش در مدرسه بازی کرد.
- 2 یاسر بعد از ظهر به خانه برگشت.
- 3 او درب منزل را کوبید.
- 4 مادر صدای درب را شنید پس رفت و درب را باز کرد و از او پرسید:
- 5 مادر، حالت چگونه است؟
- 6 پسر: من خوبم
- 7 مادر: تکلیفت چیست؟
- 8 یاسر: منظم کردن این جملات طلایی:
- 9 هنگامی که فرومایگان فرمانروا شوند، شایدگان هلاک می شوند.
- 10 هر که دشمنی بکارد، زبان درو کند.
- 11 تجربه بالایی علم است.
- 12 بهترین مردم سودمندترینشان برای مردم است.
- 13 عدلمان کسی است که مردم از دستش و زبانش سالم بمانند.
- 14 زبان مقصر گناه است.



هَذِهِ اللَّاعِبَةُ رَفَعَتْ عَلَمَ إِيْرَانِ.

این بازیکن پرچم ایران را بالا برد.



هَذَا الْوَلَدُ أَخَذَ كِتَابًا مِنَ الْمَكْتَبَةِ.

این پسر کتابی را از کتابخانه گرفت.

به جمله‌های عربی و فارسی زیر دقت کنید.

او انجام داد.	سوم شخص مفرد	هُوَ فَعَلَ.	
		(مفرد مذکر غایب)	
		هِيَ فَعَلَتْ.	
		(مفرد مؤنث غایب)	

الْتَّمَارِين

١ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:



کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید.

عُدْوَانٌ ✓ ... صَدَاقَةٌ	جَاهِلٌ ✓ ... عَالِمٌ	أَرَادِلٌ ✓ ... أَفْاضِلٌ	أَفْضَلٌ ✓ ... خَيْرٌ
بِدَايَةٌ ✓ ... نِهَايَةٌ	رَخِيصَةٌ ✓ ... غَالِيَةٌ	عُدْوَانٌ ✓ ... عَدَاوَةٌ	خَلْفٌ ✓ ... وَرَاءٌ

٢ التَّمَرِينُ الثَّانِي:

در هر مجموعه، کلمه ناهماهنگ کدام است؟

١. عِلْمٌ ☒ أُخْتُ ☐ أَخٌ ☐ أُمٌّ ☐
٢. يَدٌ ☐ مَاءٌ ☒ وَجْهٌ ☐ لِسَانٌ ☐
٣. قَمِيصٌ ☐ فُسْتَانٌ ☐ جَوَّالٌ ☒ سِرْوَالٌ ☐
٤. قَصِيرٌ ☒ نَافِذَةٌ ☐ بَابٌ ☐ عُرْفَةٌ ☐
٥. خَرَجَ ☐ دَخَلَ ☐ هَلَكَ ☐ تَحْتَ ☒
٦. ثُمَّ ☒ أَنَا ☐ هِيَ ☐ هُوَ ☐

٣ التَّمَرِينُ الثَّالِثُ:

بخوانید و ترجمه کنید.



الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَالْأَنْعَامَ
سِتایش برای خدایی است که آسمان و زمین را آفرید



هِيَ وَصَلَتْ إِلَى بَيْتِهَا.
او به خانه اش رسید



خواجه نصیر الدین طوسی

هُوَ يَحْتَ عَنِ الْكُتُبِ.
او در مورد کتابها به سخن می‌گفت



أَنَا سَأَلْتُ مُدَرِّسِي.
من از معلمم پرسیدم



أَنَا قَرَبْتُ مِنَ الْقَرْيَةِ.
من به روستا نزدیک شدم

الْأَرْبَعِينَات

لَتَقُولِي فِي رَأْيِي فِي رَأْيِي فِي رَأْيِي فِي رَأْيِي

حَوَارَاتُ فِي مَسِيرَةِ الْأَرْبَعِينَ الْحُسَيْنِيِّ

طَرِيقُ كَرْبَلَاءِ مَسِيرَتِي

خوش آمدید

الزَّائِرُ الْعِرَاقِي: - أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ.

الزَّائِرُ الْإِيرَانِي: - شُكْرًا جَزِيلًا. سَاعَدَكُمْ اللَّهُ!

خوبی ممنون خدا قوت
کدام راه به سر بلا نزدیک تر است؟
آئی طریقِ أَقْرَبُ إِلَى كَرْبَلَاءِ؟

الزَّائِرُ الْعِرَاقِي: - ذَلِكَ الطَّرِيقُ أَقْرَبُ. آن راه نزدیک تر است.

الزَّائِرُ الْإِيرَانِي: - هَلْ يَوْجَدُ مَوْكِبٌ قَرِيبٌ مِنْ هُنَا؟ آیا موبکی نزدیک اینجاست؟

الزَّائِرُ الْعِرَاقِي: - نَعَمْ، يَوْجَدُ. هُنَاكَ مَوْكِبٌ. بله یافت می شود. آنجاست موبکی.



۱. مَوْكِب: ایستگاه خدمات رسانی رایگان به زائران، مانند اسکان، پذیرایی، خوراک دهی و...





الدَّرْسُ السَّادِسُ (فعل ماضٍ: فَعَلْنَا)



﴿...ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ﴾ الزَّوْم: ٥٨



الدَّرْسُ السَّادِسُ

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۶ کلمه)

ببخشید	عَفَوًا	خدایان «مفرد: إله»	آلِهَةٌ
کار کرد	عَمِلَ	سرد	بارِدٌ
میوه «جمع: فَوَاكِه»	فَاكِهَةٌ	انجیر	تین
خوشحال شد	فَرِحَ	نشست نشستیم	جَلَسَ جَلَسْنَا
گفت	قَالَ	هوا	جَوٌّ
بُرید بُریدیم	قَطَعَ قَطَعْنَا	مرزها	حُدُودٌ
پوشید	لَبَسَ	غمگین شد	حَزِنَ
فراموش کرد	نَسِيَ	حفظ کرد. حَفِظَكُمُ اللَّهُ: خدا شما را حفظ کند.	حَفِظَ
یاری کرد	نَصَرَ	احساس ... کرد	شَعَرَ بِـ
پدر	وَالِدٌ	ساخت	صَنَعَ
مادر	وَالِدَةٌ	زد زدیم	صَرَبَ صَرَبْنَا
افتاد	وَقَعَ	عبور کرد	عَبَرَ
ایستاد	وَقَفَ	شناخت، دانست	عَرَفَ

فِي الْحُدُودِ لِلْحُضُورِ فِي مَسِيرَةِ الْأَرْبَعِينَ الْحُسَيْنِيِّ



مُحْسِن:

- 1 عَلَيَّكَ السَّلَامُ. مَنْ أَنْتَ؟
- 2 عَفْوَاً؛ مَا عَرَفْتُ صَوْتَكَ. كَيْفَ حَالُكَ؟
- 3 كُنَّا بِخَيْرٍ.
- 4 وَصَلْنَا إِلَى مَدِينَةِ مِهْرَانِ فِي الْحُدُودِ.
- 5 هُمَا جَالِسَانِ عَلَى الْكُرْسِيِّ.
- 6 نَعَمْ؛ الْحَمْدُ لِلَّهِ.
- 7 الْجَوُّ بَارِدٌ قَلِيلاً.
- 8 لَبِسْنَا مَلَابِسَ مُنَاسِبَةً.
- 9 شُكْرًا جَزِيلًا. إِلَى اللَّقَاءِ.

الْجَدَّةُ:

- 1 أَلُو. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَزِيزِي.
- 2 كَيْفَ مَا عَرَفْتُ جَدَّتَكَ؟!
- 3 أَنَا بِخَيْرٍ وَ كَيْفَ حَالُكُمْ؟
- 4 أَيْنَ أَنْتُمْ الْآنَ؟
- 5 أَيْنَ الْوَالِدُ وَالْوَالِدَةُ؟
- 6 هَلْ هُمَا بِخَيْرٍ؟
- 7 كَيْفَ الْجَوُّ هُنَاكَ؟
- 8 مَاذَا لَبِسْتَ يَا عَزِيزِي؟
- 9 مَاذَا لَبَسَ أَبُوكَ وَ لَبِسَتْ أُمُّكَ؟
- 9 حَفِظْتُكُمْ اللَّهُ! مَعَ السَّلَامَةِ.

در مرزها

برای حضور در رانمایی اربعین حسینی

مادر بزرگ

محسن

- 1 الو سلام بر تو ای عزیزم
 - 2 چگونه مادر بزرگت را شناختی؟
 - 3 من خنم حاتان چطور است؟
 - 4 شما الان کجا هستید؟
 - 5 پدر و مادر کجا هستند؟
 - 6 آیا آن دو خوابند؟
 - 7 هوا چطور است؟
 - 8 چه پوشیدی عزیزم؟
 - 9 پدرت چه پوشید؟ مادر چه پوشید؟
 - 10 خدا حفظتان کند. به سلامت
- سلام بر تو تو کیستی؟
بخشید هدایت را شناختم حالت
همه مان خنم
به مهران در مرزها رسیدیم
آن دو روی صندلی نشسته اند
بله خدا را شکر
هوا کمی سرد است
لباس های مناسب پوشیدیم
خیلی ممنون به امید دیدار



نَحْنُ جَلَسْنَا فِي الْمَكْتَبَةِ.
ما در کتابخانه نشستیم.



نَحْنُ كَتَبْنَا واجِبَاتِنَا.
ما تکالیفهایمان نوشتیم.

به جمله عربی و فارسی زیر دقت کنید.

ما انجام دادیم.	اول شخص جمع	نَحْنُ فَعَلْنَا. (متکلم مع الغير)	   
-----------------	-------------	---------------------------------------	--

جمله «نَحْنُ فَعَلْنَا» برای مثنی و جمع و برای مذکر و مؤنث به یک شکل به کار می‌رود.

فعل ماضی با حرف «ما» منفی می‌شود؛ مانند:

جَلَسْنَا: نشستیم ما جَلَسْنَا: ننشستیم.

التَّمارين

١ التَّمرينُ الأوَّلُ:

ترجمه كنيد.

١. ﴿...صَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ﴾ الرُّوم: ٥٨

برای مردم در این قرآن از هر مثلی زدیم .

٢. ﴿أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِالْهَيْتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ﴾ الْأَنْبِيَاء: ٦٢

آیا تو این را با خدایان ما انجام دادی ای ابراهیم ؟

٣. ﴿صَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ﴾ يس: ٧٨

برای ما مثلی زد و آفرینش را فراموش کرد

٤. قَالَ الطِّفْلُ: «أَنَا مَا حَزِنْتُ».

کودک گفت: من غمگین نشدم .

٥. نَحْنُ مَا عَبَرْنَا الْحُدُودَ.

ما از مرزها عبور نکردیم

٢ التَّمرينُ الثَّاني:

کلمات مرتبط در ردیف «الف» و «ب» را به هم وصل کنید.

الف	الْفُسْتَانُ - الْعِلْمُ - الدُّنْيَا - الصَّلَاةُ - النَّسَبُ - السُّؤَالُ
ب	مَرْعَةُ الْآخِرَةِ - كَنْزٌ - مِنْ مَلَابِسِ النِّسَاءِ - آفَةُ الْعِلْمِ - مِفْتَاحُ الْعِلْمِ - عَمُودُ الدِّينِ

الْتَّمَرِينُ الثَّالِثُ: ٣

با توجّه به تصویر، هر جمله را ترجمه کنید.



أَنْتَ نَصْرَتُهُ. لِأَنَّكَ شَرِيفٌ.
تو او را یاری کردی چرا که تو سترغی.



أَنَا جَزَنْتُ قَلِيلًا.
من کم غمخیز شدم.



أَنْتِ لَبِسْتِ عِبَاءَةً جَمِيلَةً.
تو چادر زیبایی پوشیدی.



هُوَ وَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ.
او روی زمین افتاد.



هِيَ نَسِيَتْ شَيْئًا.
او چیزی را فراموش کرد.



نَحْنُ وَقَفْنَا لِأَخْذِ الْجَوَائِزِ.
ما برای گرفتن جوایز ایستادیم



نَحْنُ شَعَرْنَا بِالِافْتِخَارِ.
ما احساس افتخار کردیم



نَحْنُ فَرَحْنَا كَثِيرًا.
ما بسیار خوشحال شدیم



نَحْنُ عَبَرْنَا الْجَبَلَ.
ما از رویها عبور کردیم



نَحْنُ قَطَعْنَا الْخَشَبَ.
ما چوب را قطع کردیم



اولين پيامبر كه در مركز حكومت ماركند - بدره

۱. - مَنْ أَوَّلُ نَبِيٍّ عَمِلَ فِي مَرْكَزِ الْحُكُومَةِ؟

- سَيِّدُنَا يَوْسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

سرور ما يوسف (ع)



﴿وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ﴾

سورتي كه بنام ميدهاي است چيست ؟

۲. - مَا هِيَ السُّورَةُ الَّتِي بِاسْمِ فَاكِهَةٍ؟

- سُورَةُ «التَّيْنِ».

سوره تين



لقب کدام پيامبر در ذبيح الله است ؟

۳. - لَقَبُ أَيِّ نَبِيٍّ «ذَبِيحُ اللَّهِ»؟

- نَبِيُّ اللَّهِ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

پيامبر خدا اسماعيل (ع)



الدَّرْسُ السَّابِعُ (فعل ماضٍ: فَعَلْتُ، فَعَلْتَنَ، فَعَلْتُمَا)

هُمَا فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ ۝ الرَّحْمَنُ: ٦٨



الدَّرْسُ السَّابِعُ

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۱۳ کلمه)

همسر	زَوْجَة	بزرگ‌تر	أكْبَر
اجازه داد به	سَمَحَ لِـ	ای «برای مذکر»	أَيَّهَا
شیمی	کیمیاء	ای «برای مؤنث»	أَيَّتْهَا
زیرا، برای این‌که	لِأَنَّ	به وسیله، با	بِـ
کمک	مُسَاعَدَة	شروع کرد به	بَدَأَ بِـ
پُر از	مَمْلُوءٌ بِـ	جمع کرد جَمَعْتُهَا: جمع کردید «مثنی»	جَمَعَ
		گرم ≠ بارد	حَارٌّ

الأسرة الناجحة

1 السَّيِّدُ زَارِعِي فَلَاحٍ وَ زَوْجَتُهُ فَلَاحَةٌ. هُمَا سَاكِنَانِ مَعَ أَوْلَادِهِمَا فِي قَرْيَةٍ. **2** عَارِفٌ أَكْبَرُ مِنَ الْأَخَوَيْنِ وَ سُمِّيَتْهُ أَكْبَرُ مِنَ الْأَخْتَيْنِ. هُمَا أُسْرَةٌ نَاجِحَةٌ. **3** بَيْتُهُمْ نَظِيفٌ وَ بُسْتَانُهُمْ مَمْلُوءٌ بِأَشْجَارِ الْبُرْتُقَالِ وَ الْعِنَبِ وَ الرُّمَّانِ وَ التُّفَاحِ.

حوارٌ بَيْنَ الْوَالِدِ وَ الْأَوْلَادِ



4 أَلْوَالِدُ: أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا عَارِفُ؟ عَارِفُ: إِلَى بَيْتِ الْجَدِّ وَ الْجَدَّةِ مَعَ

صَاحِقٍ وَ حَامِدٍ.

5 أَلْوَالِدُ: كَيْفَ رَجَعْتُمَا يَا صَادِقُ وَ يَا حَامِدُ؟ الْأَخَوَانِ: بِالسَّيَّارَةِ.

6 أَلْوَالِدُ: لِمَاذَا ذَهَبْتُمْ أَيُّهَا الْأَوْلَادُ؟ الْأَخْوَةُ: لِمُسَاعَدَةِ جَدِّنَا.

خانواده موفق

- 1 آقای قلاچش اوز و عیشرش کاش در ذات آن دو بیکراه فرزندان سالن دوستی هستند
 - 2 عارف بزرگ تر از دو برادر و سید بزرگ تر از دو خواهر است. آنها خانواده موفق هستند.
 - 3 خانداک پاکیزه و باغشان پر است از درختان پرتقال دانگور و انار سیب
- گفتگو میان پدر و فرزندان
- 4 پدر: کجا رفتی ای عارف عارف: به خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ همراه صادق و حامد
 - 5 پدر: چگونه برگشتید ای صادق و ای حامد. دو برادر: با ماشین
 - 6 پدر: چرا رفتید ای فرزندان برادران: برای کمک به پدر بزرگمان
- گفتگو میان مادر و دختران
- 7 مادر: کجا رفتی ای سمیه؟
 - 8 سمیه: به خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ همراه شیماء و نرجس
 - 9 مادر: چگونه برگشتید ای شیماء و ای نرجس؟
 - 10 دو خواهر: با ماشین.
 - 11 چرا رفتید ای دختران؟
 - 12 برای کمک مادر بزرگمان.

جَوَارُ بَيْنَ الْوَالِدَةِ وَالْبَنَاتِ



7 الْوَالِدَةُ: أَيْنَ ذَهَبْتَ يَا سُمَيَّةُ؟

8 سُمَيَّةُ: إِلَى بَيْتِ الْجَدِّ وَالْجَدَّةِ مَعَ شَيْمَاءَ وَنَرْجِسَ.

9 الْوَالِدَةُ: كَيْفَ رَجَعْتُمَا يَا شَيْمَاءَ وَ يَا نَرْجِسُ؟

10 الْأُخْتَانِ: بِالسَّيَّارَةِ.

11 الْوَالِدَةُ: لِمَاذَا ذَهَبْتُنَّ أَيَّتُهَا الْبَنَاتُ؟

12 الْأَخَوَاتِ: لِمُسَاعَدَةِ جَدَّتِنَا.



أَنْتُمْ بَدَأْتُمْ بِالْمُسَابَقَةِ.
شما دو نفر مسابقه را آغاز کردید



أَنْتُمْ عَرَفْتُمْ جَوَابَ سُؤَالِي.
شما پاسخ پرسش مرا دانستید



أَنْتُمْ جَمَعْتُمْ كُتُبَ الْمَكْتَبَةِ.
شما کتاب های کتابخانه را جمع کردید



أَنْتُنَّ سَمِعْتُنَّ كَلَامِي بِدِقَّةٍ.
شما سخن مرا به دقت شنیدید

به مقایسه جمله‌های عربی و فارسی زیر دقت کنید.

شما انجام دادید.	دوم شخص جمع	جمع مذکر مخاطب	أَنْتُمْ فَعَلْتُمْ.	
		جمع مؤنث مخاطب	أَنْتُنَّ فَعَلْتُنَّ.	
		مثنیٰ مذکر مخاطب	أَنْتُمَا فَعَلْتُمَا.	
		مثنیٰ مؤنث مخاطب	أَنْتُمَا فَعَلْتُمَا.	

١ الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ:

با توجه به متن درس، جمله‌های صحیح و غلط را معلوم کنید.

صحيح غلط

١. عَدَدُ الْأَوْلَادِ وَالْبَنَاتِ خَمْسَةٌ. ☒ صحيح ☐ غلط
٢. أَلْسَيِّدُ زَارِعِي مُدَرِّسُ الْكِيمِيَاءِ. ☒ صحيح ☐ غلط
٣. أَشْجَارُ الرُّمَانِ فِي بُسْتَانِ السَّيِّدِ زَارِعِي. ☐ صحيح ☒ غلط
٤. كَانَ الْحَوَارُ الْأَوَّلُ بَيْنَ الْوَالِدَةِ وَالْبَنَاتِ. ☒ صحيح ☐ غلط
٥. كَانَ هَدَفُ الْأَوْلَادِ وَالْبَنَاتِ مُسَاعَدَةَ الْجَدِّ وَالْجَدَّةِ. ☐ صحيح ☒ غلط

٢ الْتَمَرِينُ الثَّانِي:

جمله‌های زیر را ترجمه کنید، سپس زیر فعل‌های ماضی خط بکشید.

١. يَا بَنْتَانِ، كَيْفَ قَرَأْتُمَا دَرَسَكُمَا؟

ای دو دختر، چطور درستان را خواندید؟

٢. يَا أَسْتَاذُ، هَلْ سَمَخْتُ لِي بِالْكَلَامِ؟

ای استاد آیا به من اجازه سخن گفتن می‌دهی؟

٣. أَيُّهَا السَّيِّدَاتُ، أَسَمِعْتُنَّ صَوْتَ أَطْفَالِكُنَّ؟

ای خانم‌ها! آیا صدای کودکانان را شنیدید؟

٤. أَيُّهَا الطُّلَّابُ، لِمَاذَا فَتَحْتُمُ أَبْوَابَ الصُّفُوفِ؟ - لِأَنَّ الْجَوَّ حَارٌّ.

ای دانش‌آموزان چرا درب‌های کلاس‌ها را باز کردید؟ - چون هوا گرم است.

۳ التَّمَرِينُ الثَّالِثُ:

ترجمه کنید.

هَوَ مَا قَرَأَ: <i>او بخواند</i>	قَرَأْتُمْ: خواندید
أَنْتُنَّ بَدَأْتُنَّ: <i>شما شروع کردید</i>	بَدَأْتُ: شروع کردم
أَنْتُمَا سَمِعْتُمَا: <i>شما شنیدید</i>	سَمِعْنَا: شنیدیم
أَنْتُمْ مَا وَصَلْتُمْ: <i>شما نرسیدید</i>	وَصَلْتُمْ: رسیدید
أَنْتُنَّ سَمَحْتُنَّ: <i>شما اجازه دادید</i>	سَمَحَ: اجازه داد
أَنْتُمَا قَطَعْتُمَا: <i>شما بریدید</i>	قَطَعْتُ: بریدی

۴ التَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

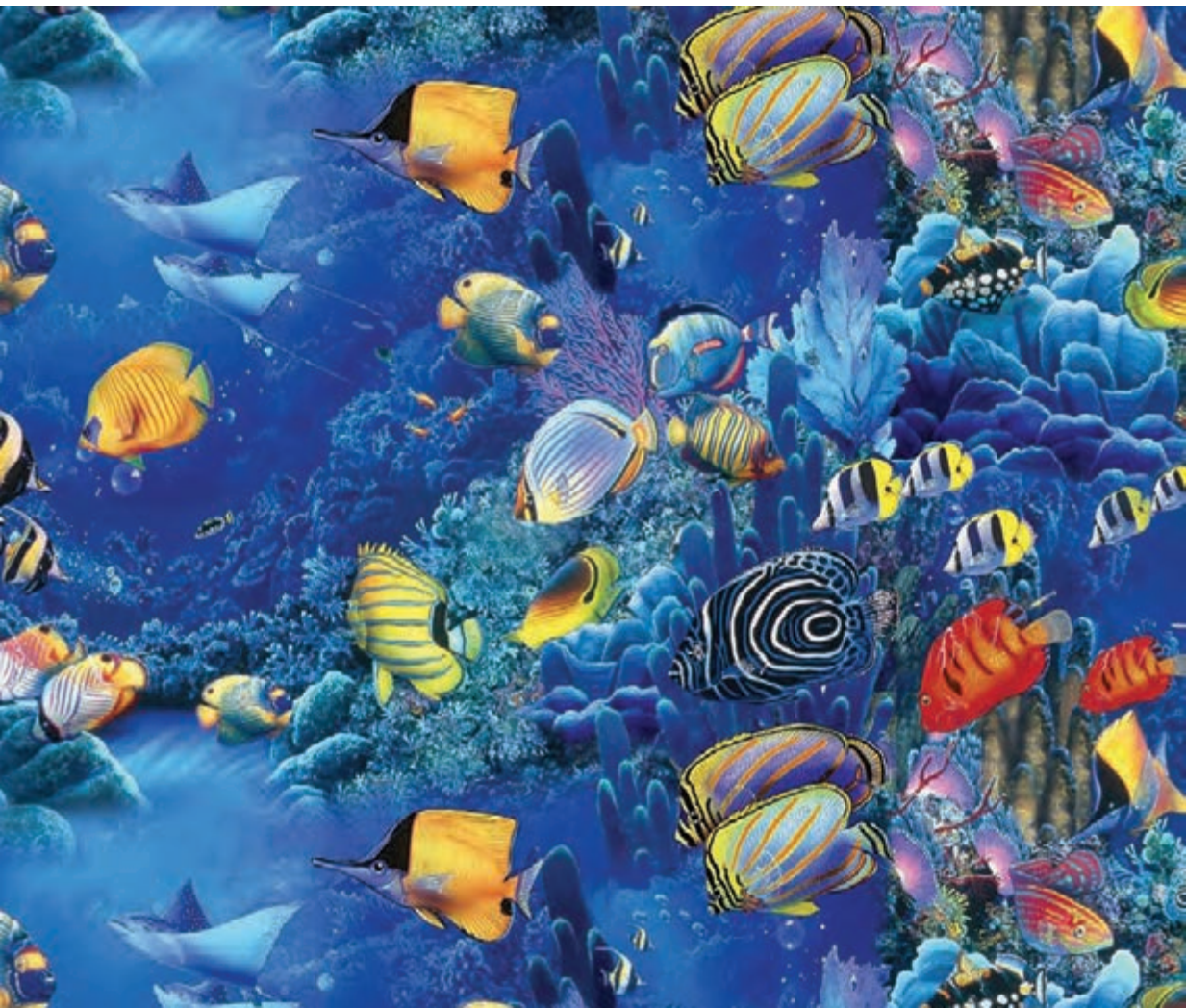
گزینه مناسب را انتخاب کنید.

۱. الْمُعَلِّمَةُ لِي بِالْخُرُوجِ مِنَ الصَّفِّ. ☐ سَمَحَ ☒ سَمَحْتُ
۲. أَنَا وَ صَدِيقِي فِي الْمُسَابَقَةِ. ☐ نَجَحْتُ ☒ نَجَحْنَا
۳. آيَتُهَا الْأَخْتَانِ، أَمْ مَا بِالِافْتِخَارِ؟ ☒ شَعَرْتُمَا ☐ شَعَرْتُمْ
۴. هُوَ مِنْ نَجَاحِ صَدِيقِهِ. ☒ فَرِحَ ☐ فَرِحْتُ
۵. آيُهَا الْأَصْدِقَاءُ، مَاذَا ؟ ☒ صَنَعْتُمْ ☐ صَنَعْتُنَّ
۶. قَالَتْ أُمُّ حَمِيدٍ: أَنَا ☒ مُنْتَظِرَةٌ ☐ مُنْتَظَرَةٌ



الدَّرْسُ الثَّامِنُ (فعل ماضى: فَعَلُوا، فَعَلْنَا، فَعَلْتَ)

هَلْ يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ هَلْ از دعای جوشن کبیر



الدَّرْسُ الثَّامِنُ

اَلْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۰ کلمه)

تور شَبَكَةُ كَبِيرَةٍ: توری بزرگ	شَبَكَةٌ	لبخند	إِبْتِسَام
دانست عَلِمَ أَنَّ: دانست که	عَلِمَ	بلکه	بَلْ
پس	فَ	آمد آمدند	جاءَ جاؤوا
زشت	قَبِيح	بسیار	جِدًّا
انداخت او را انداختند «قَذَفُوا + ها»	قَذَفَ قَذَفُوهَا	غمگین	حَزِين
ولی	لَكِنَّ	ترسید	خَافَ
آب «جمع: میاه»	ماء	ترسیده، ترسان	خَائِف
نگاه کرد نگاه کردند	نَظَرَ نَظَرْنَ	رفته	ذَاهِب
تنها	وَحِيد	ماهی «جمع: أَسْمَاك» سَمَكَة: ماهی	سَمَك
فرار کرد	هَرَبَ	سنگ ماهی	سَمَكَةٌ حَجَرِيَّةٌ

زِينَةُ الْبَاطِنِ



- 1 كَانَتْ فِي بَحْرِ كَبِيرٍ سَمَكَةٌ قَبِيحَةٌ اسْمُهَا «السَّمَكَةُ الْحَجَرِيَّةُ» وَكَانَتْ الْأَسْمَاكُ خَائِفَاتٍ مِنْهَا. 2 هِيَ ذَهَبَتْ إِلَى سَمَكَتَيْنِ؛ السَّمَكَتَانِ خَافَتَا وَهَرَبَتَا. هِيَ كَانَتْ وَحِيدَةً دَائِمًا.
- 3 فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ، خَمْسَةٌ مِنَ الصَّيَّادِينَ جَاؤُوا. فَقَذَفُوا شَبَكَةً كَبِيرَةً فِي الْبَحْرِ.
- 4 الْأَسْمَاكُ وَقَعْنَ فِي الشَّبَكَةِ. مَا جَاءَ أَحَدٌ لِلْمُسَاعَدَةِ. السَّمَكَةُ الْحَجَرِيَّةُ سَمِعَتْ أَصْوَاتَ الْأَسْمَاكِ.
- 5 فَنَظَرَتْ إِلَى الشَّبَكَةِ فَحَزِنَتْ وَذَهَبَتْ لِنَجَاةِ الْأَسْمَاكِ. 6 قَطَعَتْ شَبَكَةَ الصَّيَّادِينَ بِسُرْعَةٍ.
- 7 الْأَسْمَاكُ خَرَجْنَ وَهَرَبْنَ جَمِيعًا. 8 فَوَقَعَتِ السَّمَكَةُ الْحَجَرِيَّةُ فِي الشَّبَكَةِ وَ الصَّيَّادُونَ أَخَذُوهَا. 9 كَانَتْ الْأَسْمَاكُ حَزِينَاتٍ؛ لِأَنَّ السَّمَكَةَ الْحَجَرِيَّةَ وَقَعَتْ فِي الشَّبَكَةِ لِنَجَاتِهِنَّ.
- 10 الْأَسْمَاكُ نَظَرْنَ إِلَى سَفِينَةِ الصَّيَّادِينَ. 11 هُمْ أَخَذُوا السَّمَكَةَ وَلَكِنَّهُمْ قَذَفُوهَا فِي الْمَاءِ؛
- 12 لِأَنَّهَا كَانَتْ قَبِيحَةً جِدًّا فَخَافُوا مِنْهَا. 13 الْأَسْمَاكُ فَرَحْنَ لِنَجَاتِهَا وَ نَظَرْنَ إِلَيْهَا بِابْتِسَامٍ
- 14 وَ عَلِمْنَ أَنَّ جَمَالَ الْبَاطِنِ أَفْضَلُ مِنْ جَمَالِ الظَّاهِرِ.

15 قَالَ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «زِينَةُ الْبَاطِنِ خَيْرٌ مِنْ زِينَةِ الظَّاهِرِ»

زیبایی درون

- 1 در دریای بزرگ ماهی زشتی بود به نام «سنگ ماهی». و ماهی‌ها از او ترسان بودند.
- 2 او به سوی دو ماهی رفت؛ دو ماهی ترسیدند و فرار کردند. او همیشه تنها بود.
- 3 در روزی از روزها صیاد آمدند. پس تور بزرگی را در دریا انداختند.
- 4 ماهی‌ها در تور افتادند. کسی برای کمک نیامد. سنگ ماهی صدای ماهی‌ها را شنید.
- 5 پس به تور نگاه کرد پس غمگین شد و برای نجات ماهی‌ها رفت.
- 6 تور صیاد‌ها را به سرعت بُرید.
- 7 ماهی‌ها خارج شدند و همگی فرار کردند.
- 8 پس سنگ ماهی در تور افتاد و صیاد‌ها او را گرفتند.
- 9 ماهی‌ها ناراحت بودند چرا که سنگ ماهی برای نجات آنها در تور افتاد.
- 10 ماهی‌ها به کشتی صیاد‌ها نگاه کردند.
- 11 آنها ماهی‌ها را گرفتند ولی آنها او را در آب انداختند.
- 12 چرا که او بسیار زشت بود پس از او ترسیدند.
- 13 ماهی‌ها برای نجات او خودشمال شدند و به او با لبخند نگاه کردند.
- 14 و دانستند که زیبایی باطن برتر از زیبایی ظاهر است.
- 15 امام علی (ع) فرمود: «زیبایی باطن بهتر از زیبایی ظاهر است».



هُنَّ نَظَرْنَ.
آنها نگاه کردند



هُم لَعِبُوا.
آنها بازی کردند



هُمَا كَتَبَتَا.
آن دو نوشتند



هُمَا وَقَفَا.
آن دو ایستادند

به جمله‌های عربی و فارسی زیر دقت کنید.

ایشان انجام دادند.	سوم شخص جمع	جمع مذکر غایب	هُمْ فَعَلُوا	
		جمع مؤنث غایب	هُنَّ فَعَلْنَ	
		مثنیٰ مذکر غایب	هُمَا فَعَلَا	
		مثنیٰ مؤنث غایب	هُمَا فَعَلَتَا	

التمارين

١ التمرين الأول:

با توجه به متن درس، کدام جمله صحیح و کدام غلط است؟

صحيح غلط



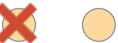
١. كَانَتْ تِلْكَ السَّمَكَةُ الْحَجَرِيَّةُ وَحِيدَةً.



٢. السَّمَكَةُ الْحَجَرِيَّةُ ذَهَبَتْ لِنَجَاةِ الْأَسْمَاكِ.



٣. كَانَتْ السَّمَكَةُ الْحَجَرِيَّةُ صَغِيرَةً وَجَمِيلَةً.



٤. الصَّيَادُونَ مَا خَافُوا مِنَ السَّمَكَةِ الْحَجَرِيَّةِ.

٢ التمرين الثاني:

با توجه به متن درس، به سؤالات زیر پاسخ کوتاه دهید.

١. كَمْ صَيَادًا كَانَ فِي السَّفِينَةِ؟ خمسة

٢. مَنْ قَذَفَ الشَّبَكَةَ فِي الْمَاءِ؟ الصيادون

٣. أَيْنَ وَقَعَتِ السَّمَكَةُ الْحَجَرِيَّةُ؟ في الشبكه

٤. هَلْ زِينَةُ الظَّاهِرِ خَيْرٌ مِنْ زِينَةِ الْبَاطِنِ؟ نعم

۳ الثَّمَرَيْنِ الثَّالِثُ:

ترجمه کنید.

هُنَّ عَرَفْنَ: آنها شناختند	عَرَفَ: شناخت
الْوَلَدَانِ هَرَبَا: دو پسر فرار کردند	هَرَبَ: فرار کرد
الطَّالِبَاتُ مَا عَلِمْنَ: دانش آموزان ندانستند	عَلِمَ: دانست
هُنَّ سَلِمْنَ: آنها سالم ماندند	سَلِمَ: سالم ماند
أَنْتُمْ قَذَفْتُمَا: شما دو نفر انداختید	قَذَفَ: انداخت
الطُّفْلَةُ وَقَعَتْ: کودک افتاد	وَقَعَ: افتاد
هُمْ مَا نَظَرُوا: آنها نگاه نکردند	نَظَرَ: نگاه کرد
الرِّجَالُ مَا نَصَرُوا: مردان یاری نکردند	نَصَرَ: یاری کرد
أَنْتُمْ مَا قَطَعْتُمْ: شما نبریدید	قَطَعَ: بُرید
أَنْتُنَّ عَبَرْتُنَّ: شما عبور کردید	عَبَرَ: عبور کرد
هُمَا مَا ضَرَبْتَا: آن دو نزدند	ضَرَبَ: زد
الْبَنَتَانِ ذَكَرْتَا: دو دختر یاد کردند	ذَكَرَ: یاد کرد

۴ الثَّمَرَيْنِ الرَّابِعُ:

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

- هُؤُلَاءِ الصَّيَادُونَ شَبَكَةً فِي الْبَحْرِ. ☒ قَذَفُوا ☐ قَذَقَتَا
- أُولَئِكَ الْبَنَاتُ لِمُسَاعَدَةِ جَدَّتِهِنَّ. ☐ ذَهَبَتَا ☒ ذَهَبْنَ
- هُذَانِ الْوَلَدَانِ لِأَخْذِ الْهَدَايَا. ☒ وَقَفَا ☐ وَقَفَتَا
- هَاتَانِ الْمَرَاتَانِ عِلْمَ إِيْرَانِ. ☐ رَفَعُوا ☒ رَفَعَتَا
- كَانَتْ زَهْرَاءُ إِلَى صَفْهَا. ☐ ذَاهَبَا ☒ ذَاهَبَتْ





الدَّرْسُ التَّاسِعُ (دوره کتاب، اسم اشاره، اسم مفرد، مثنی و جمع،
کلمه‌های پرسشی، ضمیر، فعل ماضی)

ثَمَرَةُ الْعِلْمِ، إِخْلَاصُ الْعَمَلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ



الدَّرْسُ التَّاسِعُ

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۱۹ کلمه)

خواست	طَلَبَ	پایان آخرُ عَمَلِي: آخرین کارم	آخِرَ
با خودش گفت	قَالَ فِي نَفْسِهِ	محکم کرد	أَتَقَنَّ
پذیرفت	قَبِلَ	جواب داد	أَجَابَ
به عنوان آخرین کارش، به عنوان پایان کارش	كَآخِرِ عَمَلِهِ	داد به او داد «أَعْطَى + هُ»	أَعْطَى أَعْطَاهُ
هنگامی که	لَمَّا	نیازمند	بِحَاجَةٍ
کوشا	مُجِدِّ	بازنشستگی	تَقَاعُدَ
کارخانه	مَصْنَع	خوب، به خوبی	جَيِّدًا
پشیمان شد	نَدِمَ	دید	رَأَى
ای کاش من ساخته بودم!	يَا لَيْتَنِي صَنَعْتُ	خریدن	شَرَاءَ
		ساختن	صُنْعَ

الْإِخْلَاصُ فِي الْعَمَلِ

1 كَانَ نَجَّارٌ وَ صَاحِبُ مَصْنَعٍ صَدِيقَيْنِ. ² فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ، قَالَ النَّجَّارُ لِصَاحِبِ الْمَصْنَعِ: «أَنَا بِحَاجَةٍ إِلَى الثَّقَاعِدِ». ³ أَجَابَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ: «وَلَكِنَّكَ مَاهِرٌ فِي عَمَلِكَ وَ نَحْنُ بِحَاجَةٍ إِلَيْكَ يَا صَدِيقِي.» ⁴ النَّجَّارُ مَا قَبِلَ. لَمَّا رَأَى صَاحِبُ الْمَصْنَعِ إِصْرَارَهُ؛ قَبِلَ ثَقَاعِدَهُ **5** وَ طَلَبَ مِنْهُ صُنْعَ بَيْتٍ خَشَبِيٍّ قَبْلَ ثَقَاعِدِهِ كَأَخِرِ عَمَلِهِ فِي الْمَصْنَعِ. **6** ذَهَبَ النَّجَّارُ إِلَى السُّوقِ لِشِرَاءِ الْوَسَائِلِ لِصُنْعِ الْبَيْتِ الْخَشَبِيِّ الْجَدِيدِ. ⁷ هُوَ اشْتَرَى وَسَائِلَ رَخِيصَةً وَ غَيْرَ مُنَاسِبَةٍ وَ بَدَأَ بِالْعَمَلِ. ⁸ لَكِنَّهُ مَا كَانَ مُجِدِّدًا وَ مَا كَانَتْ أَخْشَابُ الْبَيْتِ مَرْغُوبَةً.



9 بَعْدَ شَهْرَيْنِ ذَهَبَ عِنْدَ صَاحِبِ الْمَصْنَعِ وَ قَالَ لَهُ: «هَذَا آخِرُ عَمَلِي.» **10** جَاءَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ وَ أَعْطَاهُ مِفْتَاحًا ذَهَبِيًّا وَ قَالَ لَهُ: **11** «هَذَا مِفْتَاحُ بَيْتِكَ. هَذَا الْبَيْتُ هَدِيَّةٌ لَكَ؛ لِأَنَّكَ عَمِلْتَ عِنْدِي سَنَوَاتٍ كَثِيرَةً.» **12** نَدِمَ النَّجَّارُ مِنْ عَمَلِهِ وَ قَالَ فِي نَفْسِهِ: «يَا لَيْتَنِي صَنَعْتُ هَذَا الْبَيْتَ جَيِّدًا!»



13 قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً عَمِلَ عَمَلًا فَأَتَقَنَهُ.

اخلاص در عمل

1. نجار و صاحب کارخانه ای دو دوست بودند.
2. در روزی از روزگار نجار به صاحب کارخانه گفت: «من به بازنشکنی نیاز دارم».
3. صاحب کارخانه پاسخ داد: «ولی تو در کارت ماهر هستی و ما به نیاز داریم ای دوست من» نجار نپذیرفت.
4. هنگامی که صاحب کارخانه اصرارش را دید، بازنشکنی اش را پذیرفت.
5. و از او سافت خانگی چوبی را بش بازنشکنی اش درخواست کرد به عنوان آخرین کارش در خانه.
6. نجار به بازار رفت برای خرید وسایل برای ساخت خانه چوبی جدید.
7. او وسایل ارزان و نامناسب خرید و شروع به کار کرد.
8. ولی او کوتا نبود و چوب های خانه مرغوب نبود.
9. دو ماه بعد نزد صاحب کارخانه رفت و به او گفت: «این هم از آخرین کارم».
10. صاحب کارخانه آمد و به او طعنه طعنه داد و به او گفت:
11. «این مله خدات است این خانه هدیه ای برای توست چرا که تو سال های بسیاری نزد من کار کردی».
12. نجار پشیمان شد و با خودش گفت: «ای کاش این خانه را به خوبی ساخته بودم».
13. رسول خدا (ص) فرمود: «جهت خدا بر کسی که (بهرگاه) کاری را برای من داد مان را حاصل کند».

١ التمرين الأول:

با توجه به متن درس، کدام جمله صحیح و کدام غلط است؟

١. قَبْلَ صَاحِبِ الْمَصْنَعِ تَقَاعَدَ النَّجَّارُ؛ لِأَنَّهُ كَانَ ضَعِيفًا. 
٢. كَانَ النَّجَّارُ مُجِدًّا فِي صُنْعِ الْبَيْتِ الْخَشَبِيِّ. 
٣. كَانَ الْبَيْتُ الْخَشَبِيُّ هَدِيَّةً لِلنَّجَّارِ. 
٤. مَا نَدِمَ النَّجَّارُ مِنْ عَمَلِهِ. 
٥. كَانَ النَّجَّارُ مَاهِرًا. 

٢ التمرين الثاني:

با توجه به متن درس، به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید. (در یک یا دو کلمه)

١. بَعْدَ كَمْ شَهْرٍ ذَهَبَ النَّجَّارُ عِنْدَ صَاحِبِ الْمَصْنَعِ؟
بعد شش‌هفت
٢. هَلْ كَانَ صَاحِبُ الْمَصْنَعِ بِحَاجَةٍ إِلَى النَّجَّارِ؟
نعم
٣. مَنْ أَعْطَى الْمِفْتَاحَ الذَّهَبِيَّ إِلَى النَّجَّارِ؟
صاحب المصنع
٤. أَيْنَ ذَهَبَ النَّجَّارُ لِشِرَاءِ الْوَسَائِلِ؟
السوق
٥. مَاذَا اشْتَرَى النَّجَّارُ لِصُنْعِ الْبَيْتِ؟
وسائل رخيصه
٦. لِمَنْ كَانَ الْمِفْتَاحُ الذَّهَبِيُّ؟
لِلنَّجَّارِ

۳ التَّمْرِينُ الثَّالِثُ:

در هر مجموعه، کلمه خواسته شده را مشخص کنید.

۱. جمع مذکر سالم: ☐ أَخْشَابُ ☒ صَيَادِينَ ☐ وَسَائِلُ ☐ تَقَاعِدُ
۲. جمع مؤنث سالم: ☐ أَوْقَاتُ ☐ أَصْوَاتُ ☒ حَزِينَاتُ ☐ أَبْيَاتُ
۳. جمع مکسر: ☐ فُسْتَانُ ☐ حَدِيقَتَانِ ☐ حَقِيبَةٌ ☒ أَوْلَادُ
۴. مفرد مذکر: ☒ بَيْتُ ☐ سَمَكَةٌ ☐ صَدِيقَةٌ ☐ سَفِينَةٌ
۵. مفرد مؤنث: ☐ مَصْنَعُ ☐ مُجَدَّتَيْنِ ☐ مِفْتَاحُ ☒ هَدِيَّةٌ
۶. مثنی مذکر: ☐ خُسْرَانُ ☐ بُسْتَانُ ☒ فَلَّاحَانِ ☐ نِسيَانُ
۷. مثنی مؤنث: ☒ أُخْتَيْنِ ☐ لِسَانُ ☐ مَوَاعِظُ ☐ يَمِينُ

۴ التَّمْرِينُ الرَّابِعُ:

جمله‌های زیر را به فارسی ترجمه کنید، سپس زیر فعل‌ها خط بکشید.

۱. أَأَنْتَنْ عَرَفْتَنْ أَوْلَئِكَ الْبَنَاتِ؟ آیا شما آن دختران را شناختید؟

۲. أَنَا فَرِحْتُ مِنْ نَجَاحِ أَصْدِقَائِي. من از موفقیت دوستانم شادمان شدم.

۳. هُنَّ نَظَرْنَ إِلَى اللَّوْحَةِ الْجَمِيلَةِ. آن به تابلو زیبا نگاه کردند.

۴. هِيَ مَا ذَهَبَتْ إِلَى بَيْتِ جَدَّتِهَا. او به خانه مادر بزرگش نرفت.

۵. أَنْتُمَا صَنَعْتُمَا كُرْسِيِّنِ خَشَبِيَّيْنِ. شما دو نفر دو صندلی چوبی ساختید.

۶. أَنْتَ قَذَفْتَ شَبَكَةً لِيَصِيدَ الْأَسْمَاكِ. تو توری را برای شکار ماهی انداختی.

۷. الْجَوُّ بَارِدٌ، فَلَبِسْنَا مَلَابِسَ مُنَاسِبَةً. هوا سرد است پس لباس های مناسب پوشیدیم.





الدَّرْسُ العَاشِرُ



هَلْ... مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا؟ يَس: ٨٠



الدَّرْسُ الْعَاشِرُ

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۳ کلمه)

حَيَاة	زندگی	أَبْيَض	سفید
خَرِيف	پاییز	الْإِثْنَيْنِ	دوشنبه
الْخَمِيس	پنجشنبه	الْأَحَد	یکشنبه
رَبِيع	بهار	أَحْمَر	سرخ
السَّبْت	شنبه	أَخْضَر	سبز
سَحَاب	ابر	الْأَرْبَعَاء	چهارشنبه
شِتَاء	زمستان	أَزْرَق	آبی
صَيْف	تابستان	أَسْوَد	سیاه
غَدَا	فردا	أَصْفَر	زرد
غُرَاب	کلاغ	ألوان	رنگ‌ها «مفرد: لَوْن»
أَلْيَوْم	امروز يَوْم: روز	أَمْسٍ	دیروز
		الْثُلَاثَاء	سه شنبه

الأيام و الفصول و الألوان



- 1 **الْمُدَرِّسُ:** ما أَيَّامُ الْأُسْبُوعِ؟
- 2 **الطَّالِبُ:** يَوْمُ السَّبْتِ، الْأَحَدِ، الْإِثْنَيْنِ، الْثَلَاثِ، الْأَرْبَعِ، الْخَمِيسِ، الْجُمُعَةِ.
- 3 **الْمُدَرِّسُ:** وَ مَا فُصُولُ السَّنَةِ؟
- 4 **الطَّالِبُ:** الرَّبِيعُ وَ الصَّيْفُ وَ الْخَرِيفُ وَ الشِّتَاءُ.
- 5 **الْمُدَرِّسُ:** نَحْنُ فِي أَيِّ يَوْمٍ وَ فَصْلٍ؟
- 6 **الطَّالِبُ:** الْيَوْمُ يَوْمُ الْأَرْبَعِ وَ الْفَصْلُ فَصْلُ الرَّبِيعِ.
- 7 **الْمُدَرِّسُ:** كَيْفَ الْجَوُّ فِي كُلِّ فَصْلٍ؟
- 8 **الطَّالِبُ:** الْجَوُّ فِي الرَّبِيعِ مُعْتَدِلٌ. وَ هُوَ فَصْلُ الْجَمَالِ وَ الْحَيَاةِ الْجَدِيدَةِ.
وَ الصَّيْفُ حَارٌّ وَ فَصْلُ الْفَوَاكِهِ اللَّذِيذَةِ.
وَ الْخَرِيفُ لَا حَارٌّ وَ لَا بَارِدٌ وَ فَصْلُ سُقُوطِ أَورَاقِ الْأَشْجَارِ وَ الشِّتَاءُ بَارِدٌ.

روزهای و فصلهای و رنگهای

- 1 معلم: روزهای هفته چیست؟
- 2 دانش آموز: روز شنبه، یکشنبه، دوشنبه، سه شنبه، چهارشنبه، پنجشنبه، جمعه.
- 3 معلم: فصلهای سال چیست؟
- 4 دانش آموز: بهار و تابستان و پاییز و زمستان.
- 5 معلم: ما در کدام روز و کدام فصل هستیم؟
- 6 دانش آموز: امروز روز چهارشنبه و فصل بهار است.
- 7 معلم: بهوا در هر فصلی چگونه است؟
- 8 دانش آموز: بهوا در بهار معتدل است و آن فصل زیبایی و زندگی جدید است.
و تابستان گرم و فصل میوههای خوشمزه است.
و پاییز نه سرد است نه گرم و فصل سقوط برگهای درختان است و زمستان سرد است.
- 9 معلم: رنگهای چیست؟
- 10 دانش آموز: سیاه و سفید و قرمز و سبز و آبی و زرد.
- 11 معلم: مثال برای این رنگهای چیست؟
- 12 دانش آموز: کلاغ سیاه است و ابر سفید است و انار قرمز است و درخت بهر است و دریا آبی است.
- 13 رنگهای پرچم جمهوری اسلامی ایران چیست؟
- 14 سبز و سفید و قرمز



9 أَلْمُدَّرْسُ: مَا الْأَلْوَانُ؟

10 أَلطَّالِبُ: الْأَسْوَدُ وَ الْأَبْيَضُ وَ الْأَحْمَرُ وَ الْأَخْضَرُ وَ الْأَزْرَقُ وَ الْأَصْفَرُ.

11 أَلْمُدَّرْسُ: مَا الْمِثَالُ لِهَذِهِ الْأَلْوَانِ؟

12 أَلطَّالِبُ: الْغُرَابُ أَسْوَدُ وَ السَّحَابُ أَبْيَضُ وَ الرُّمَانُ أَحْمَرُ وَ الشَّجَرُ أَخْضَرُ وَ الْبَحْرُ أَزْرَقُ وَ الْمَوْزُ أَصْفَرُ.

13 أَلْمُدَّرْسُ: مَا أَلْوَانُ عِلْمِ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ؟

14 أَلطَّالِبُ: الْأَخْضَرُ وَ الْأَبْيَضُ وَ الْأَحْمَرُ.



١ التَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

در جای خالی گزینه مناسب بنویسید.

١. أَمْسٍ كَانَ يَوْمَ الثَّلَاثَةِ؛ فَالْيَوْمَ يَوْمٌ ☐ الْخَمِيسِ ☒ الْأَرْبَعَاءِ
٢. الْيَوْمَ يَوْمَ السَّبْتِ وَغَدًا يَوْمٌ ☒ الْأَحَدِ ☐ الْإِثْنَيْنِ
٣. أَوَّلُ الْفُصُولِ فَصْلٌ ☒ الرَّبِيعِ ☐ الْخَرِيفِ
٤. الْشِّتَاءُ فَصْلٌ ☐ حَارٌّ ☒ بَارِدٌ

٢ التَّمَرِينُ الثَّانِي:

ترجمه کنید.

١. لَوْنُ السَّحَابِ، أَبْيَضٌ. رنگ ابر سفید است.
٢. لَوْنُ الْأَوْرَاقِ، أَخْضَرٌ. رنگ برگ ها سبز است.
٣. لَوْنُ الْغُرَابِ، أَسْوَدٌ. رنگ کلاغ ، سیاه است.
٤. لَوْنُ الرَّمْثَانِ، أَحْمَرٌ. رنگ انار ، قرمز است.
٥. لَوْنُ السَّمَاءِ، أَزْرَقٌ. رنگ آسمان ، آبی است.
٦. لَوْنُ الْمَوْزِ، أَصْفَرٌ. رنگ موز ، زرد است.



۳ التَّمَرِينُ الثَّالِثُ:

برای موارد خواسته شده، ضمیر مناسب را مشخص کنید.

هَؤُلَاءِ الرِّجَالُ	هَمَّ ✓	هُنَّ ○
هَذَا الرَّجُلُ	هُوَ ✓	أَنْتِ ○
أُولَئِكَ الْبَنَاتُ	هُمَا ○	هُنَّ ✓
يَا وَلَدَانِ	هُمَا ○	أَنْتُمَا ✓
أَيُّهَا النِّسَاءُ	أَنْتُنَّ ✓	هُنَّ ○
يَا بَنَاتِ	هُمَا ○	أَنْتُمَا ✓
تِلْكَ الْمَرْأَةُ	هِيَ ✓	أَنْتِ ○
يَا بِنْتُ	هِيَ ○	أَنْتِ ✓
أَيُّهَا الرِّجَالُ	هُمَّ ○	أَنْتُمْ ✓
يَا وَلَدُ	هُوَ ○	أَنْتِ ✓



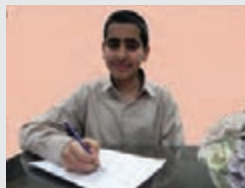
در نقطه چین، شناسه های مناسب بگذارید.

(تَ ، تِ ، تٌ ، تْ ، اَ ، تَا ، وَا ، نَ ، تُما ، تُمَ ، تُنَّ ، نا)

١. أَنْتِ صَنْعَتِ حَقِيبَةً.
٢. أَنَا نَدِمْتُ مِنْ أَعْمَالِي.
٣. هِيَ سَلِمَتْ مِنَ الْخَطَرِ.
٤. هُمْ سَمَحُوا لِي بِالْكَلامِ.
٥. أَأَنْتُمَا كَتَبْتُمَا وَاجِبَاتِكُمَا؟
٦. نَحْنُ قَبْلًا هَدَيْتُهُ أَمْسِ.
٧. أَأَنْتِ مَا حَصَدْتَ الْمَحْصُولَ؟
٨. هُنَّ بَحَثْنَ عَنِ اللَّوْنِ الْأَصْفَرِ.
٩. أَنْتُنَّ مَا رَجَعْتُنَّ مِنَ الْبُسْتَانِ.
١٠. أَنْتُمْ مَا صَعِدْتُمْ ذَلِكَ الْجَبَلَ الْأَخْضَرَ.
١١. هَؤُلَاءِ وَلَدَانِ. هُمَا رَفَعَا الْعَلَمَ الْأَحْمَرَ.
١٢. هَاتَانِ بِنْتَانِ. هُمَا ذَهَبَتَا عِنْدَ مُعَلِّمَتِهِمَا.

نَظَرَةٌ لِلدَّرْسِ الرَّابِعِ إِلَى الدَّرْسِ الْعَاشِرِ

نگاهی به درس چهارم تا دهم

فارسی	عربی	
من تکلیفم را نوشتم.	أَنَا كَتَبْتُ وَاجِبِي. (متکلم وحده)	 
تو تکلیفت را نوشتی.	أَنْتِ كَتَبْتِ وَاجِبِي. (مفرد مذکر مخاطب)	
	أَنْتِ كَتَبْتِ وَاجِبِي. (مفرد مؤنث مخاطب)	
او تکلیفش را نوشت.	هُوَ كَتَبَ وَاجِبَهُ. (مفرد مذکر غایب)	
	هِيَ كَتَبَتْ وَاجِبَهَا. (مفرد مؤنث غایب)	

فارسی	عربی	
ما تکلیفمان را نوشتیم.	نَحْنُ كَتَبْنَا وَاجِبْنَا. (متکلم مع الغیر)	   
شما تکلیفتان را نوشتید.	أَنْتُمْ كَتَبْتُمْ وَاجِبَكُمْ. (جمع مذکر مخاطب)	 
	أَنْتُنَّ كَتَبْتُنَّ وَاجِبَكُنَّ. (جمع مؤنث مخاطب)	 
	أَنْتُمَا كَتَبْتُمَا وَاجِبَكُمَا. (مثنیٰ مذکر مخاطب) و (مثنیٰ مؤنث مخاطب)	
ایشان تکلیفشان را نوشتند.	هُم كَتَبُوا وَاجِبَهُمْ. (جمع مذکر غایب)	 
	هُنَّ كَتَبْنَ وَاجِبَهُنَّ. (جمع مؤنث غایب)	 
	هُمَا كَتَبَا وَاجِبَهُمَا. (مثنیٰ مذکر غایب)	
	هُمَا كَتَبَتَا وَاجِبَهُمَا. (مثنیٰ مؤنث غایب)	

ترجمه فارسی	فعل ماضی		صیغه	
	مؤنث	مذكر		
انجام داد	فَعَلْتُ	فَعَلَ	مفرد	كَرَّجَ
انجام دادند	فَعَلْتَا	فَعَلَا	مثنیٰ	
انجام دادند	فَعَلْنَ	فَعَلُوا	جمع	
انجام دادی	فَعَلْتِ	فَعَلْتَ	مفرد	كَرَّجْتُمْ
انجام دادید	فَعَلْتُمَا	فَعَلْتُمَا	مثنیٰ	
انجام دادید	فَعَلْتُنَّ	فَعَلْتُمْ	جمع	
انجام دادم	فَعَلْتُ		متکلمٌ وحده متکلمٌ مع الغیر	
انجام دادیم	فَعَلْنَا			



أَيُّهَا الْأَصْدِقَاءُ،
وَصَلْنَا إِلَى نِهَايَةِ السَّنَةِ؛
فِي أَمَانِ اللَّهِ؛
حَفِظَكُمُ اللَّهُ؛
مَعَ السَّلَامَةِ؛
وَإِلَى اللَّقَاءِ فِي الصَّفِّ الثَّامِنِ.



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی جهت ایفای نقش خطیر خود در اجرای سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش و برنامه‌داری ملی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت معلمان را به‌عنوان یک سیاست اجرایی مهم دنبال می‌کند. برای تحقق این امر، در اقدامی نوآورانه سامانه تعاملی بر خط اعتبارسنجی کتاب‌های درسی راه‌اندازی شد، تا با دریافت نظرات معلمان درباره کتاب‌های درسی نونگاشت، کتاب‌های درسی را با کمترین اشکال به دانش‌آموزان و معلمان ارجمند تقدیم نماید. در انجام مطلوب این فرایند، همکاران گروه‌های آموزشی، دبیرخانه راهبری دروس و مدیریت محترم پروژه آقای محسن باهو نقش سازنده‌ای را بر عهده داشتند. ضمن ارج نهادن به تلاش تمامی این همکاران، اسامی دبیرانی که در این زمینه تلاش کرده‌اند و با ارائه نظرات خود سازمان را در بهبود محتوای این کتاب یاری کرده‌اند، به شرح زیر اعلام می‌شود:

اسامی دبیران شرکت‌کننده در اعتبارسنجی کتاب عربی، زبان قرآن - پایه هفتم - کد ۷۰۹

ردیف	نام و نام خانوادگی	استان محل خدمت
۱	پروانه حق‌شناس	گلستان
۲	عبدالرضا سبحانیان	گلستان
۳	عذرا مرادی	البرز
۴	عصمت فیروزی	چهارمحال و بختیاری
۵	عذرا جمیری	آذربایجان شرقی
۶	محمد مهدی خسروی عیلکی	خراسان جنوبی
۷	ام البنین میرزایی	خراسان جنوبی
۸	قاسم عیباوی	قزوین
۹	مهدی جابری حق	آذربایجان شرقی
۱۰	فاطمه هادی‌ها	قزوین
۱۱	زهره مظفری	مازندران
۱۲	معصومه خادمی	هرمزگان
۱۳	زینب صادقی	هرمزگان

معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره مطالب
این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۴۸۷۴/۱۵۸۷۵ - گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (Email)
talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر تألیف کتاب های درسی عمومی و متوسطه نظری

